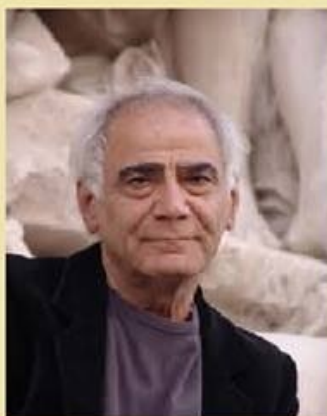


News-Update

مجله سیاسی خبری هنری



سر مقاله

از مسعود فروزش راد

هر دم از این باغ بری میرسد ، نوش دارو بعد از مرگ سهراب



نترسید نترسید ما همه با هم هستیم

یک طنز تلخ

از مسعود فروزش راد

سخنرانیهای فرمایشی رئیس پلیس

شما ای مردم آسوده بخوابید که ما بیدار بوده و از هر گونه آزادیهای فردی دفاع خواهیم کرد ، و به هیچ وجه نگران نبوده و هرگز ترس به خود راه ندهید ، بدانید همین پلیس که اکنون در کنار شما ایستاده همیشه حافظ منافع فردی و آزادیهای شما است ، ما هستیم ، ما می‌زنیم ، ما پدر آنان را در میاوریم ، شما لازم نیست ترسیده و دست به عمل بزنید، این تروریستهای ترسو و بی دین حق سؤ استفاده از آزادیهای فردی شما و ما را ندارند ، ما از این به بعد سیستم کنترل عمومی را بیشتر و محکم تر کرده و بدانید همه جا هستیم ، حتی در منزل شما ، سر سفره شما ، تلفن شما ، آدرس شما،

ایمیلهای شما ، صندوق پستی شما ، خلاسه بدانید از این پس هر اتفاقی برای شما افتاد لازم نیست به ما زنگ

بزنید زیرا ما در همان لحظه با شما هستیم و خواهیم بود ، اصلا من و شما یکی هستیم بدانید ما همه با هم

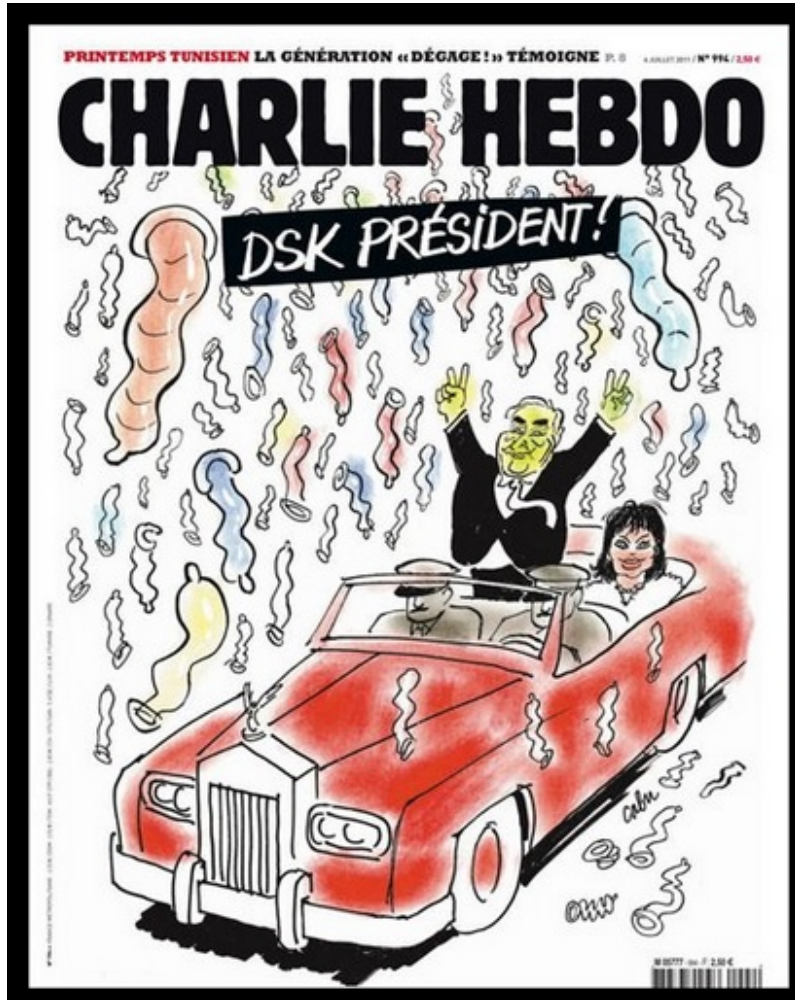
هستیم!!!

اصلا همین طور که اکنون شاهد هستید ، ما یعنی پلیس هلند و اروپا در زیر سایه شما و زیر چتر شما هستیم . این شما نیستید که باید بترسید بلکه ما هستیم که در مواقع مناسب فرار را بر قرار ترجیح داده و فلنگ را میبندیم ولی بدانید در مواقع لازم برگشته و حق شما را انطور که میخواهید در دست شما خواهیم گذاشت ، ما نخواهیم گذاشت کسی از آزادیهای فردی سؤ استفاده کند همانطور که تا کنون دیدید آنان که به شما بد و بیراه میگفتند حقشان را کف دستشان گذاریم و خوشبختانه دیگر زنده نیستند . همین طور که مشاهده مینمایید پلیس همیشه بیدار بوده و تا کنون همه را آزاد گذاشته تا هر چه میخواهند بنویسند و ما هم کاری با آنان نداریم.

در این لحظه که رییس پلیس مشغول سخنرانی بود یکی از آنطرف داد زد ، **< آره اروای ننت >** ، که بلافاصله و خوشبختانه به عنوان یکی از هواداران تروریست ها دست گیر شدو در بلند گو گفته شد که دیدید ما چه زود عمل کردیم؟

و بهمین ترتیب سخنان در هم و برهم رئیس پلیس ادامه دشت ، وی اظهار داشت ، می بینید که هم اکنون تمام بچه بازهای اروپایی آزادانه در کشور های آسیای جنوب شرقی مشغول بچه بازی هستند و ما به دموکراسی و آزادی این قبیل کارها احترام گذاشته و آنان را در بر گشت به کشور آزاد میگذاریم و کاری با آنها نداریم و به مطبوعات اجازه نمیدهیم نام آنانرا منتشر نمایند ، زیرا اغلب آنان بالای شصت سال هستند و خدای نکرده ممکن است دچار سکنه قلبی شوند و این برای دولت خرج هنگفتی دارد به علاوه از تخم بدبینی و نفرت هم جلوگیری مینماید . شما شاهد بودید که در فرانسه چطور رئس بانک بین المللی، **دومینیک گاستون اندره اشتراوس-خان** که اکنون ۶۶ ساله است و در وقت تجاوز به کارکن جوان هتل ۶۲ سال

داشت در برابر چنین جرمی تبرئه و آزاد شد ، و آنگاه دیدید که هفته نامه چارلی هم آزاد بود کاریکتور این مرد بزرگ را که در ماشین لوکس و همراه با آن دختر جوان بود منتشر کند ، آیا از این آزادی قلم باز هم بیشتر میخواهید؟ در آن لحظه کاریکتور اشتراوس خان بر پرده ظاهر شده و مردم هورا کشیدند و زنده باد آزادی گفتند .



دومینیک گاستون اندره اشتراوس-خان

'DSK for President!' (2011)

by David Sessions

یا این که این **آقای سیلوی برلوس کونی** رئیس جمهور ایتالیا که اکنون ۷۹ سال از سنش میگذره و چندی پیش به خاطر رابطه جنسی با دختر آن کم سن و سال که هنوز بلوغ نشده اند محاکمه شده و برادران ما وی را تبرئه کردند . محمد بیچاره که فقط شصت سالش بوده که دختر بچه ۶ ساله را آنهم به طور مشروع و آنهم بزور به زنی پذیرفته بود .

از ما بیشتر از این چه انتظار دارید؟ **مگر همین آزادی نیست که ارث پدر ما بوده و ما آنرا به شما** روشنفکران هدیه کرده ایم ؟ از این بیشتر چه میخواهید؟ حال نگاه کنید این نا مسلمون ها رو ، به محض اینکه هفته نامه چارلی آزادانه کاریکاتور چند تن بچه باز را چاپ کرد چه سر و صدای به پا کردند ؟ و باز در این لحظه یک کاریکاتور دیگر به نمایش گذارده شد .



Charlie Hebdo Must Be Veiled!' (2007) by David Sessions

cartoons with a cover depicting a Jew, the pope, and an Islamic fundamentalist shouting, "Charlie Hebdo must be veiled!"

در این موقع ناگهان چند نفر با صدای بلند فریاد زدند الله واکبر ، مرگ بر دشمنان اسلام ، که آنان هم بلافاصله به عنوان هواداران تروریست ها دستگیر شده به مردم گفته شد این هم نتیجه اعمال کسانی که ضد آزادی بیان هستند . ما امت پلیس همیشه در صحنه هستیم و نخواهیم گذاشت که حق شما امت اروپای عزیز پا مال شود و غیره..... در آن لحظه یک عده مذهبی دیگر هم تا میخواستند سر و صدا کنند ، پلیس گفت شما دیگه زر زر نکنید و آنان هم بلافاصله از ترس خفه شدند .

پلیس ادامه میدهد :البته همانطور که میدانید این هفته نامه چارلی به همه بند میکرد مخصوصا به سیاستمداران مانند سرگوزی ، لمین ، اوباماست ، میلک شک بخوانید ملکر یا میلکشر رئیس جمهور آلمان غیر نازی ، که خود قبلان کومونیست بوده و حالا بریده و جزو توابین شده است و باز هم و غیره... زیرا تعداد نامها زیاد است ، اکنون می بینید که با کمک این تروریست

های اسلامی، سران دولتهای ما از شر جفنگ گویی های این هفته نامه چارلی راحت شدند، و این فقط ما بودیم که دو تن از برادران پلیس خود را که با شهامت پا را به فرار گذارده بودند از دست دادیم، به این شایعات دشمنان ما هم گوش نکنید که میگویند کار خود ما بوده است، یک عده از دشمنان آزادی بیان و قلم، هستند که برادران ما را که در اینراه خون داده اند متهم به همکاری با تروریستها میکنند. البته این تروریستهای فلان فلان شده درک این را ندارند که بفهمند هر عملی که انجام میدهند دودش به چشم شما عزیزان میرود و فقط کارهای ما رونق بیشتری میابد و بر تعداد کارکنان پلیس و سازمانهای امنیت بیشتر شده و این ادارجات وسعت بیشتری پیدا کرده و ما هر روز مجبوریم یک عده اراذل و اوباش را استخدام کرده و به این وسیله مقداری از مسئله بیکاری دولت حل خواهد شد و حقوق ما هم بیشتر میشود، ملاحظه می کنید که ما با دادن دو شهید چگونه ثروتمند خواهیم شد، و شما ای مردم آزاده اروپا هر روز فقیر تر و بدبخت تر خواهید شد، پس بیایید با ما همکاری کرده و هر چه زود تر با بستن مرزها و بیرون راندن این کله سیاه ها خود را از شر آنان خلاص کنیم،

در این لحظه که رئیس پلیس که دائما با کف زدن های تک و توک تظاهر کنندگان تشویق شده و احساساتی میشد، گفت ببینید این تروریستها چه قدر احمق و بی شعور هستند که با این عملیات کور باعث میشوند که این دولت برادر ما اسرائیل تا میبیند اوضاع بر وفق مراد است شروع به بمباران منطقه ای از خود ما که توسط همان اعراب تروریست اشغال شده،

یعنی نوار قزاق میکند و هیچ کس از ما طرفداران آزادی بیان و دموکراسی با در نظر گرفتن نفع شخصی اعتراض نمیکند زیرا میدانند این حق برادران اسرائیلی ما است و ما باید از آن دفاع نمایم. در این لحظه یک کله سیاه داد زد جناب سرهنگ،

نوار غزه، نه نوار قزاق، سرهنگ صدایش را کمی بلند تر کرده و گفت مردم می بینید، حالا دیگه این کله سیاه داره بیا درس جغرافی هم میده، دوباره کله سیاه داد زد بابا بگو درس دیکته و نه

جغرافی، پاسبانان که چنین دیدند فوری آن مرد را به جرم توهین به شخصیت جناب سرهنگ و آزادی بیان دستگیر کرده و بردند. سرهنگ هم گفت می بینید اینجا هم حق نداریم آنچه میخواهیم مگر به غلط بیان کنیم. ای مردم از این پس حواستان را جمع کرده و هر کجا کله سیاه دیدید به ما گزارش دهید که بیشتر بتوانیم آنان را کنترل کنیم، اگر چه در پیاده رو ها که راه میروید اگر پشت سرا خود را نگاه کنید سلیلی از آنان را می بینید که شما را تعقیب میکنند، در این صورت دچار پارانوئا نشوید زیرا بعضی از آنان از خود ما هستند و مواجب بگیرن و نفوذی هستند.

ای برادران همین طور که میدانید و شاید هم اصلا ندانید، زیرا میدانم بسیاری از شما حوصله دیدن اخبار و خواندن روزی نامه و کتاب های سنگین را ندارید و چه بهتر که همانطور نادان بمانید، این هفته نامه چارلی و یا بهتر بگویم گروهک چارلی همان طور که می بینید به وسیله شخصی به نام ابو درست شده و این اسم مستعار همون عبدولله می باشد.

دوباره و این بار یک زن فرانسوی از میان جمعیت داد زد بابا چرا چرند میگی، عبدو به زبان فرانسه

یعنی هفتگی. سرهنگ که در این لحظه از خجالت سرخ شده بود بر گشت گفت خانم بمن چه مربوطه که

فرانسویها از لغات عربی استفاده میکنند؟ زن فرانسوی که دید اوضاع پسه از دریچه فمینیستی وارد شده و گفت آقا خجالت بکش مگر نمی دانی ما زنها دیگر کلمه خانم را بکار نمیبریم سرهنگ اینبار مجبور شد آزادی بیان را زیر پا گذاشته و به پاسبانها دستور داد این زن را از آنجا بیرون کنند و زن فرانسوی هم قر قر کنان رفت.

اینبار سرهنگ که رشته کلام از دستش خارج شده بود به خود گفت نگذاشتند بفهمیم چه میگویم و دوباره رشته کلام را بدست گرفته و چنین گفت، ببینید چیزی که عوض داره گله نداره، ببینید این کاریکاتوریست های چارلی چقدر آزادانه پشت سر این سیاستمداران ما حرافی کردند و آنان را با کشیدن انواع و اقسام کاریکاتو به مسخره کشیده و حتی دست آنان را رو کردند؟ ببینید همین پاپ رهبر مسیحیان جهان را، کوندوم به دست، چقدر مسخره کردند؟

در این لحظه منیتور تصویر پاپ را نشان میدهد.



The Pope Goes Too Far' (2010)

by David Sessions

This cover, one of many mocking the Catholic Church, depicted Pope Benedict XVI holding a Durex condom aloft, declaring “This is my body!”—a line from the Christian eucharist that refers to Christ’s crucifixion. The cover came after a series of confusing statements by the pope about the rare instances in which the church approves of condom use to prevent disease.

مردم می‌بینید چطور آنها پاپ را هم مسخره میکنند؟ همین طور میشه که این دولت ها و سیاستمداران برای امنیت آنان هم تلاش نمیکنند و ما آنان را به سادگی از دست دادیم ، چه بسا با نقشه و کلک و با تشویق آنان به وسیله نفوزیهای خودمان، آنان تشویق شدند به کشیدن کاریکاتور حضرت محمد صل الله و عالم ، در این لحظه باز یک مشیت حزب اللهی پشت سر هم صلوات فرستادند که معلوم شد از سفارتی های ایران هستند، سر هنگ که دید بدینوسیله تشویق شده به سخن خود ادامه داد ، ولی رشته سخن باز از دستش در رفته بود .

وی گفت این دولت های ما و سیاستمداران با این کلک توانستند یک مشیت تروریست وحشی و احمق بی سواد را بیندازند به جان آنها که با یک تیر دو نشان بزنند ، یک اول از شر آنان خلاص شوند، دو سیاست های ضد بشری خود را از این پس راحت تر اجرا نمایند . آخه مگه این کاریکاتوریستهای معصوم نمیدانستند چه بلایی به سر سلمان رشدی آمد و چطور بدینوسیله در هلند سر یکی از بهترین نقادان ما را که از نواده های وینسنت ونگوگ بود زیر آب کردند و چطور این آدم بیچاره توسط یک تروریست به شکل فجیح به قتل رسید ، مگه ما پلیس ها تونستیم برای وی کاری کنیم ، مگر دست ما است ؟

ما چرا باید به تئوری توطئه رجوع نماییم ؟ مگه کار از این ساده تر میشود ؟ بیایید پارانویا را کنار گذاشته و فقط به این جریان فکر کنید ، وظیفه ما برادران پلیس این است که بدنبال اون نفوذی اصلی بگردیم، ولی مواظب باشید اگر از خود ما بود دستش رو نشه که ضررش رو خودمون میبینیم.

ولی در اون لحظه یکی اومد روی پودیوم و در گوشی به سرهنگ به چیزی گفت که سرهنگ ناگهان یک برق سه فاز از اونجاش پرید و به خود آمده و گفت ، ببینید برادران پلیس ، اصلا به ما چه در سیاست دخالت کنیم ، حمله به عراق و اشغال آن سر زمین های نفتی و کشته شدن یکمیلون نفر و بی خانمانی هزاران نفر و دزدی انواع و اقسام آثار تاریخی و فرهنگی و هنری به ما چه ربطی دارد ، مگر ما بودیم که به بهانه به وجود آوردن بهار عربی انواع و اقسام حملات را به لیبی ، تونس ، مصر و سوریه کردیم ؟ مگر ما طالبان و القاعده و داعش را ساختیم ، آیا این ما بودیم که سوریه را با خاک و خون یکی کردیم ، مگر ما باعث شدیم سیل پناهنده به کشور های اروپای سرازیر شود ؟ حالا سرنوشت ملیون ها پناهنده سوریه در ترکیه چه میشود ، در سراسر جهان یک مشت خونخوار دائما در حال کشتن انسانها هستند ، آفریقا ، آسیا ، و دیگر نقاط جهان که آنقدر زیاد است که از شمردن عاجزم.

سرهنگ که بعد از آن در گوشی فهمیده بود که از فردا عذر وی را خواهند خواست ، بدین وسیله خود را به سیم آخرزده و هر چه میخواست میگفت که دو باره شخصی آمد در گوش وی یک چیز گفت که از آن پس بر گشت به حال اولیه خود ، گویا به وی قول داده بودند که وی را از کار بر کنار نکنند ، و ادامه داد ، اصلا بیایید این موضوعات را فراموش کرده و بپردازیم به مسئله اصلی خودمان ، ای ملت آزاده هلند و اروپا تا کتون دیده اید ما نام یک متهم هلندی را پس از دستگیری وی بزبان آریم و بگویم وی هلندی است؟ در حالیکه می بینید ما همچنان به عهد خود وفادار بوده و به محض اینکه یک کله سیاه دستگیر میشود نام و نشان و ملیت و آدرس وی و نشانی آبا اجدادش هم که شده در رادیو و تله و زوزون پخش کرده و قبل از اینکه جرم وی ثابت شود عکس وی را هم منتشر می کنیم ، آخر در کجای این جهان چنین آزادی و دمکراسی را دیده و یا شنیده اید ؟

از شما مردم عزیز اروپای آزاده می خواهیم که همیشه مواظب همسایگان کله سیاه خود باشید و دائما با سر کردن و با رفتن درون زندگی آنان دائما به ما گزارش دهید زیرا به هیچیک از آنان نمیشود اعتماد کرد . تا اینکه هر چه زود تر دولتهای ما با بستن مرزها و دیگر تدابیر بخردانه، ما را از دست این خوارج آزاد ساخته و کشور ما را از آنان پس گرفته و ما دو باره به آزادیهای خود برسیم تا بتوانیم بیشتر مشکلات آزادی بیان را حل کنیم ، به علاوه و به نظر من و بزرگان دیگر قانون اعدام دوباره به جای خود برگردد .

در این میان به محض اینکه جناب سرهنگ کلمه بزرگان را بکار برد یک نفر از عقب که معلوم نشد چه کسی است یک شیشکی بزرگ در کرد که من خنده ام گرفت ; سرهنگ که

خنده مرا دید بلا فاصله بمن مشکوک شده و سوال کرد که چرا میخندی ؟ من هم در جواب گفتم جناب سرهنگ اگر به قول شما آزادی بیان ممنوع است آیا خنده هم آزاد نیست ؟ سرهنگ که چنان دید غضب آلود به من گفت ، من کی گفتم آزادی بیان ممنوع است ؟ برو و از آن موی سپیدت خجالت بکش و دروغ به من نیند ، من هم در جواب گفتم اتفاقا موی سپید نه تنها خجالت ندارد بلکه افتخار هم دارد و دو باره شروع کردم به خنده که با خنده من دیگران هم شروع کردند به قاه قاه خندیدن که ناگهان سرهنگ داد زد الهی روی تخت مرده شور خانه بخندید .

یک عده از دست راسی های وی هم از او حمایت کرده و گفتند ، جناب سرهنگ راست میگه ، امروز روز عزاداری برای شهیدان راه آزادی است ، شما چرا میخندید ؟

یک باره دیدم یک مشت آدم عجیب و قریب بالباس شخصی دور و ورمن را گرفته و تا آخر نرفتند.

ناگهان از میان جمعیت یک زن هلندی که من هم میشناختمش داد زد سرکار چرا اینقدر داد و فریاد میکنی و لیچار و پرت و پلا میگوی ؟ مگر نمیفهمی ما همه عزاداریم و حتی سکوت کرده و یک کلمه هم حرف نمیزنیم ؟ چرا به این بخون خفتگان راه آزادی احترام نمیگذاری ؟ بابا ول کن و برو گم شو ، سرهنگ که هیچگاه انتظار چنین توهینی را نداشت و

مخصوصا دید جلوی پاسبون ها ابرویش خواهد رفت ، شروع کرد به داد و فریاد که من این زن را میشناسم او رهبر گروهک آناشست ها است و چندی پیش به جرم یخش الامیه بر علیه

ما و سیستم بگیر و ببند دولت ما، دستگیر شده و به شش ماه زندان محکوم شد ، که در دادگاه به خاطر اینکه ندامت کرد حبس او را حبس تعلیقی اعلام کردیم و قرار شد اگر یک بار دیگر دست به پخش اطلاعاتیه و اعلامیه زند نه تنها تمام حبس خود را بکشد بلکه محکومیت جدید هم به آن اضافه شود ، این زن دائما مشغول کاشتن تخم نفاق و کینه نسبت به ما است ، در این لحظه تصویر وی که حتی جلوی دادگستری در حال تبلیغ بود، روی پرده پدیدار شد که ناگهان

خود من که این تصویر را گرفته بودم شوکه شدم!!! آخه چطور آنها به آرشيو کارهای من دسترسى پيدا کرده بودند که من خود نمیدانستم ؟ زیرا من تا آنزمان این تصویر را نه به کسی داده بودم و نه جایی پخش کرده بودم .



Photo:by Masoud Forouzes Rad

مردم شروع کردند برای این زن مبارز،!!! دست زدن و سوت و هورا کشیدن که سرهنگ
عصبانی شده و داد زد شما هم همه آنارشيست و خرابکاريد و بزودى به سزای اعمال خود ميرسيد ، در این لحظه مردمی که همه ساکت بودند با هم داد زدند **مرگ بر دیکتاتور زنده باد آزادی** ، سرهنگ هم داد زد لياقت شما همین زن خرابکار است، همین ها بودند که دو عدد از برادران ما را در آمریکا بقتل رساندند و ما انتقام خود را از آنان میگیریم و آنان را بسزای اعمالشان خواهیم رساند ، و روی کرد به بقیه پاسبانها که درانجا حضور داشتند و گفت همگی با هم شعار دهیم ، **میکشم میکشم آنکه برادرم کشت** ، و همراه با سرهنگ و با تکرار همین شعار صحنه را ترک گفته و **روانی** خیابان ها شدند . مردم هم بعد از قر قر زیاد که این دیگر چه آدم جفنگی بود روانه منزل خود شدند .

دو - مردم و واقعیت

تظاهرات اهالی آمستردام به خاطر آزادی بیان و قلم



همانطور که انتظار میرفت جمعیت زیادی از اهالی آمستردام از آن استقبال کردند ، تعدادی حدود هجده هزار نفر شرکت کردند که اکثر قریب به اتفاق آنان چنانکه دیده میشد از اهالی مترقی و روشنفکر با رنگ پوست های گوناگون بودند ، تقریباً میشد گفت اکثر آنان فقط برای دفاع از آزادی بیان آمده بودند ، تعداد زیادی هم ایرانی در آنجا حضور داشت ، تظاهرات بسیار آرام و سکوتی مرموز حکمروا بود ، کسی شعارنمیداد و اکثراً در یک دست قلم بطرف بالا و یا با کریکاتور های مختلف.

میشد گفت مردم همه از چنین حادثه ای دلگیر و نگران از دست دادن آزادیهای فردی خود که احتمالاً بعد از این حادثه و تصمیم زمامداران برای باز هم جلوگیری از آزادیهای فردی خواهد شد بودند؛ مردم هنوز ترس و وحشتی را که بعد از یازدهم سپتامبر و به وسیله همین زمامداران فعلی برقرار شد فراموش نکردند. ، نمیخواهند این باز هم وسیله ای باشد برای سؤ استفاده دولتها .

برنامه ریزی سخنرانیها واقعا افتضاح بود.

متأسفانه با سخنرانیهای نخست وزیر دست راستی هلند و شهردار آمستردام و بالاتر از همه سخنرانی رئیس پلیس آمستردام که بوی جلوگیری از آزادیهای فردی باز هم به مشامشان رسید ، تقریباً اکثر هنرمندان و نویسندگان خوب و مترقی هلند برای شرکت در سخنرانی به آنجا نیامدند و یا از آنان در خواست نشده بود و به همین دلیل این برنامه سخن رانی بیشتر اختصاص یافت به آنان که از قبل نشان داده اند که بطور کلی ضد آزادی هستند.

مگر نه اینکه طبق آموزش افراد در ارتش و پلیس آنان حق ندارند در سیاست دخالت کنند و بیشتر گوش به فرمان و جزیی از قوه مجریه هستند، چطور شد که ناگهان در اینجا به میدان آمدند؟ خوب حالا جماعت آزادیخواه واقعی طبق برنامه ریزی دولت وقت و پلیس ، باید کیسه کش جنایتهای آنان شوند. واقعا مسخره است.

آخر مگر نه اینکه خود این حکومت دست راستیهای اروپا در چند ساله اخیر خود موجبات از بین رفتن آزادیهای فردی را فراهم کردند؟ واقعا جای سوال است که همین چند ماه پیش رهبر آنارشیست های هلند را که یک زن بود محکوم به زندان کردند ؟ فقط برای تکستی که بر علیه دولت و به خاطر دفاع از پناهندگان سیاسی نوشته بود ، این همه کنترل پیامها ، ایمیل ها، رفت و آمد ها برای چیست ، دولت آمریکا بعد از حادثه یازده سپتامبر علاوه بر حمله به کشور های مختلف و دخالت در همه زندگی مردم جهان درخصوصی ترین روابط ، حتی خانوادگی، و نقض تمام آزادیهای فردی در جهان نشان داد به هیچ وجه خواهان آزادی فردی مردم سراسر جهان نیست ، اروپای بی غیرت هم دائماً مانند یک نوکر بی جیره و مواجب پشت سر وی ایستاده است دولت آمریکا با به اجرا گذاردن انگشت نگاری هنگام ورود به مرز خود چهارصد میلیون اروپایی را تحقیر و ریشخند می کند،

و این در حالی است که ورود یک طبعه آمریکایی از هر نوع قلمی که باشد به طور کلی در این کشور ها آزاد است.

حال بماند تقریباً دو میلیارد بقیه ساکنین کره زمین که از مدت ها پیش دائماً به وسیله قوانین ضد بشری آمریکا دارای مشکل هستند و کوچکترین آزادیهای آنان به وسیله خود آمریکا و عمال وی در مناطق مختلف زیر پا نهاده شده است .

سه - سیاست

همه میدانیم که مجله هفتگی چارلی سالهاست مشغول فعالیت و به طنز نگاری در همه زمینه ها بوده است ، طنزهای این مجله

نسبب همه سیاستمداران ، مذهبیبون چه مسیحی و چه یهود و چه اسلام ، همه از نیش های آن در امان نبودند حتی پاپ و میتوان گفت یک نوع مجله طنز انتقادی بوده و همه جامعه را در بر میگرفته ، و حالا معلوم نیست چرا فقط مسلمانان اعتراض دارند ؟ آیا آنان تافته جدابافته هستند ؟ چرا آنان از پیشرفت در هر نوع زمینه ایی تنفر دارند در حالی که خود یکی از بزرگترین مصرف کنندگان وسائل جوامع مدرن هستند.

من نمیخواهم مانند بعضیها پارانوای تئوری توطئه را با خود حمل کنم که البته در زمانهای مختلفی رخ داده و آنهم برای همه ثابت شده است ، ولی میخواهم بدانم آیا دولت فرانسه در زمینه کنترل آنقدر ضعیف است که از حادثه ای که مدت هاست از وقوع احتمالی آن خبر دار است، چرا نتوانسته جلوگیری نماید ؟ خوب پر واضح است که برایش مهم نیست و نبوده که از چنین موسساتی که بارها بر علیه مقامات سیاسی اقتصادی و مذهبی طنز نویسی کرده و با کشیدن کاریکاتورهای مختلف آنان را به مسخره کشیده است ، مواظبت لازم را به عمل نیاورده و اجازه دهد دو نفر تروریست وحشی آنان را از پای در آورند .

پر واضح است که بعد از این ماجرا بسیاری از همین سیاسیون که در روز یگشنبه جلوی صف برای آزادی بیان حنجره پاره میکنند ، از دست این کاریکاتوریست ها راحت شده و در ته دل به آرزوی خود رسیدند، بزرگترین نفع آنان از این پس این است که کنترل بیشتری را بر مردم تحمیل خواهند کرد و هیچ کس هم از این پس جرعت نفس کشیدن ندارد ، حال یا از ترس تروریست ها و یا از ترس خود همین سیاست مداران.

البته ناگفته نماند که مذهبیبون افراطی و رادیکال همیشه میگویند کمیت ما مهم نیست و به ما مربوط نیست دیگران در مورد ما چه فکر میکنند ؟ اگر همه جهان هم بر ضد ما باشند ما کار خود را می‌کنیم زیرا بهشت زیر پای ماست .

چهار - مثال ساده

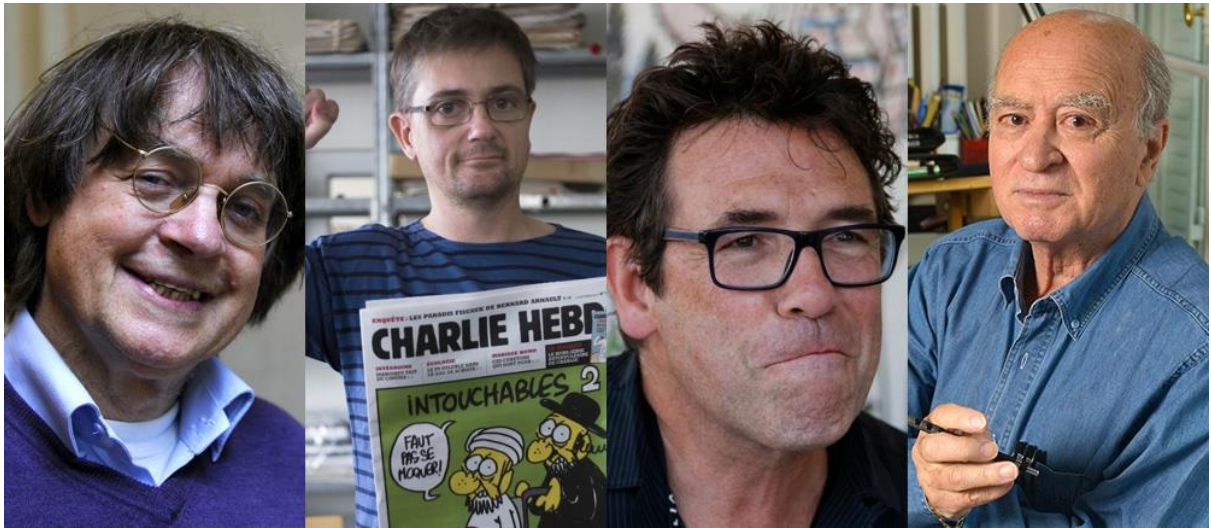
من خود بعد از انقلاب و آزادی از زندان شاه دو باره برگشتم سر کار خود ، در آنزمان من بازرس فنی بودم و در قسمت کنترل کیفی هواپیمای ملی ایران مشغول کار بودم ، در همان زمان که حجاب اجباری شد و به علت کمی بودجه کیفیت غذا در هین پرواز هم کم شده بود عده ای اعتراض کردند که ما با این وضعیت هیچ نوع رقابتی با سایر پرواز های خارجی نمیتوانیم داشته باشیم لذا در درجه اول حجاب اجباری مهمانداران باعث کم شدن مشتریهای ما خواهد شد .

در جواب، اداره حراست که در دست حزب الله بود جواب داد برای ما فرقی نمیکند که هواپیما پر از مسافر و یا خالی باشد ، حتی یک مسافر هم داشته باشیم کافیهست ، برای ما فقط حفظ دستورات اسلام مهم است،

با این تعریف ببینید که چطور آنها باز هم دست از ترور انسانها هر قدر که کمتر هم شوند بر نمیدارند ، و برایشان تعداد فرق نمیکند حال چه از ما باشد و چه از خودشان ، همین روز شنبه بود که در نیجریه براحتی دویست نفر را به قتل رساندند.

موفق و پیروز باشید

مسعود فروزش راد



ENQUÊTE LA VIE DES ASSAD À PARIS P. 8

11 SEPTEMBRE 2015 / N° 1108 / 3 €

CHARLIE HEBDO

JOURNAL IRRESPONSABLE

SYRIE
MESDAMES,
ON FAIT LA
GUERRE ? P. 3

ARMES CHIMIQUES
QUAND LA FRANCE
TESTAIT SES GAZ EN
ALGERIE P. 7

LE NOUVEAU
« LUI »
LE MAGAZINE NÉO-
MACHO VINTAGE P. 2

NOUVEAU
HORS-SÉRIE
LA LAÏCITÉ,
C'EST PAR OÙ ?



www.charliehebdo.fr

N° 1108 • FRANCE METROPOLITAINE 3€ - BELGIUM 3.50€ - ALLEMAGNE 4€ - AND. 3€ - ESPAGNE CONT. 3.50€ - DANIA 4€ - IRL. 4.20€ - CH. 4.80€ - CAN. 5.95€ - MEX. 7.00€ - POLS. 7.00€ - TURQUIE 5.95€

L 14057 - 1108 - F - 3.00 €





1



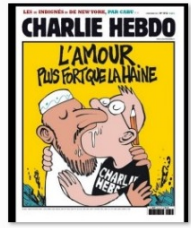
2



3



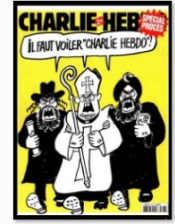
4



5



6



7



8



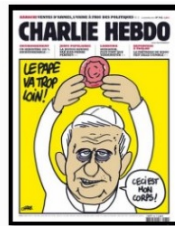
9



10



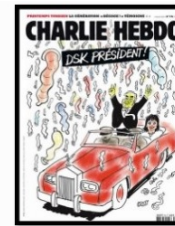
11



12



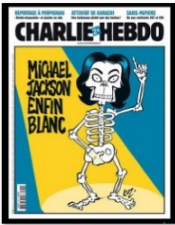
13



14



15



16



18



18



19



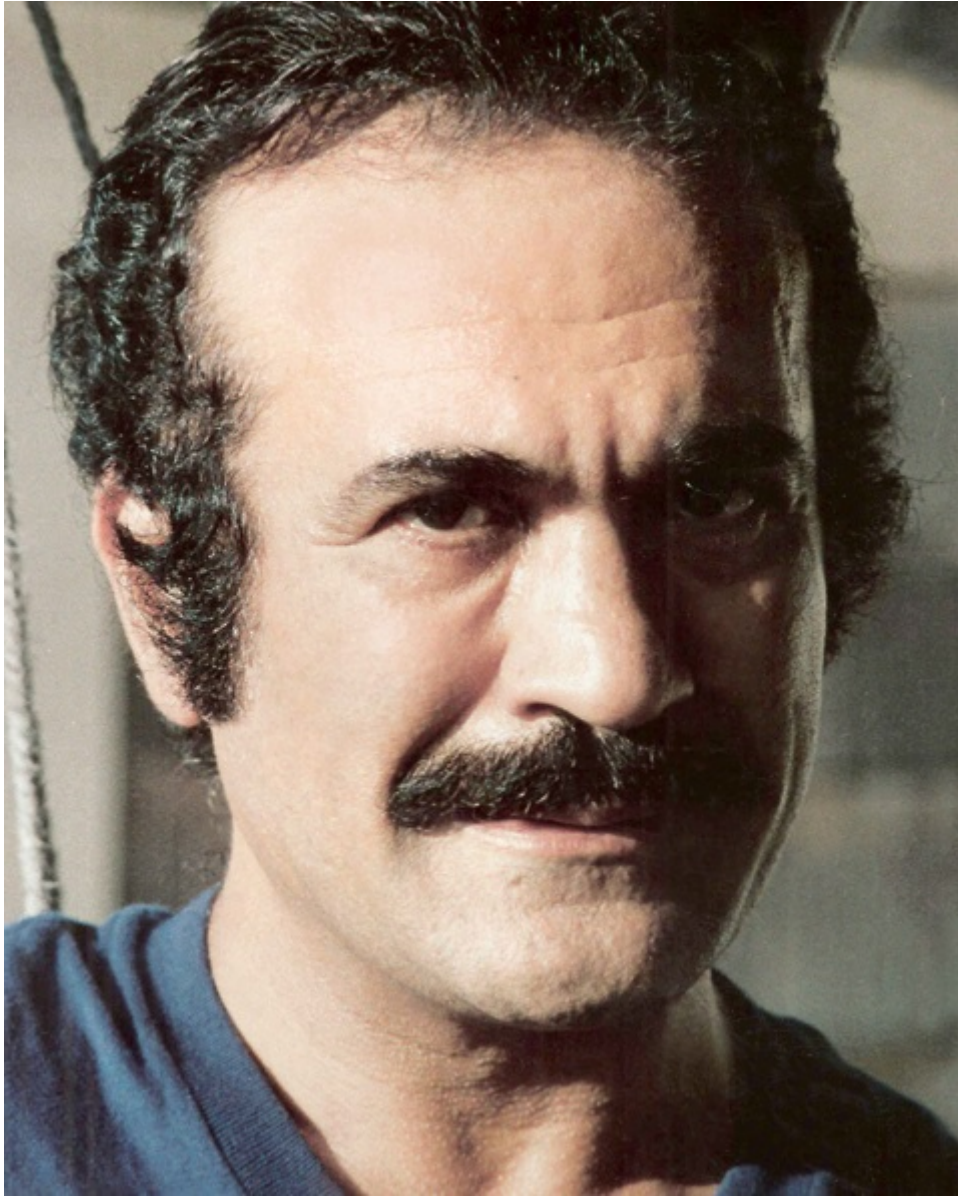
20



قتل واژه‌ها

محمد جعفر پوینده
و محمد مختاری
از اعضای کانون نویسندگان
در جریان موسوم
به قتل‌های زنجیره‌ای
در (۱۸ و ۱۴) آذر ۱۳۷۷
توسط ماموران وزارت اطلاعات
جمهوری اسلامی به قتل رسیدند

کانون نویسندگان ایران



فریدون فرخ زاد



خبر کوتاه بود: شماری از مبارزین مسلح به قلم و آزادفکری، کشته شدند. شماری دیگر بر پیکرشان زخم نشست. اینک جان، روان، لبخند، آزادی و انسانیت همه ما زخم‌دار شده است

عازم هند بودم که که خبر کشته شدن ژرژ ولنسکی، دوست کارتون‌نویست و همکارانش در نشریه فکاهی به همراه آلن منگام، ژرژ. شارلی ابدو را شنیدم. از فراز افغانستان که می‌گذشتم این صحنه به یادم آمد

آمده بود، به مرکز رسانه های آزاد و مستقل «آینه» تا دقیقا از به کابل الیویه وبر، بریژیت و آلن ژنستار آزادی بیان - گفتن، نوشتن، ترسیم کردن و عکس گرفتن - دفاع کند. آنها همگی در دفتر روزنامه «اخبار کابل» که از سوی این مرکز منتشر می‌شد، با روزنامه نگاران افغان گرد هم آمده بودند

امروز ما باید به نام ارزش‌های مشترکی که فرانسه را به سرزمین آزادی بدل کرده است، همه باهم، برادرانه، در سطح ملی و بین‌المللی، به این پیکار ادامه دهیم تا صلح در پهنه جهان مستقر گردد

در اینجا سخن ولتر را به یاد می‌آورم که گفت: «من با حرف شما موافق نیستم. اما حاضرم برای حق بیان» شما تا پای جان مبارزه کنم

همین بود که وقتی عکس‌های من در ایران جاتم را به خطر انداخت، انگیزه آمدنم به سوی آغوش باز و پر امید فرانسه شد

تصورش بر این دشوار است که ۳۵ سال بعد در این سرزمین، که در شکل بخشیدن به من نیز نقش داشته است، روزنامه نگاران، این تضمین‌کنندگان آزادی بیان - و پلیس نگهبان آنان احمد - را می‌کشند

چطور می‌توان قبول کرد که کشوری که به من امکان داده تا با تربیت روزنامه نگاران به ایجاد رسانه های آزاد و مستقل در سرزمین دوردستی چون افغانستان کمک کنم، ارزش‌های بنیادی اش چنین مورد تجاوز قرار گیرد. من اکنون وارد هند می‌شوم، کشوری که بزرگترین دموکراسی جهان خوانده می‌شود. سرزمین گاندی، آن پیکارگر دیگر، پیام آور گفتار و کردار خشونت‌گریز. آری، این پیکار را همگی پی‌گیریم. در فرانسه و در هر جای دیگر. به یاد دوازده مبارزی که در این هفتم ژانویه جان باختند. به یاد آنانی که به خاطر آزادی اندیشه و بیان جنگیدند تا برای دنیای ما فرداهای انسانی‌تری بیاورند

رضا دقتی

افغانستان، کابل. مرکز فرهنگی و مطبوعاتی آینه
ژرژ ولنسکی، رضا دقتی، آلن ژنستار، آلن منگام



ARTA



کاری از

فریده رضوی

16 MOST 'SHOCKING' CHARLIE HEBDO COVERS

<http://www.thedailybeast.com/galleries/2011/11/02/charlie-hebdo-french-satire-magazine-shocking-covers-photos.html#f61e98c9-524e-401f-9957-fc7b0505f73e>

Browse card stacks

<http://www.vox.com/cardstacks>

What are some of Charlie Hebdo's most famous cartoons?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/charlie-hebdo-cartoons-covers>

crying Mohammed

<http://www.thedailybeast.com/galleries/2011/11/02/charlie-hebdo-french-satire-magazine-shocking-covers-photos.html#e9ecba68-54f8-4c13-992c-9de261aabb8>

holding a condom and declaring "This is my body!" and in a loving embrace with a Vatican guard)

http://www.slate.com/blogs/browbeat/2015/01/07/charlie_hebdo_covers_religious_satire_cartoons_translated_and_explained.html

<http://www.bbc.com/news/world-europe-15551998>

<http://america.aljazeera.com/opinions/2015/1/charlie-hebdo-gouaillesatireislamjournalism.html>

<http://www.spiegel.de/international/europe/unchaining-the-duck-french-weekly-le-canard-enchaine-ruffles-feathers-in-paris-a-749665.html>

Don't let murderers pretend their crimes are about cartoons

<http://www.vox.com/2015/1/7/7509265/charlie-hebdo-cartoons>

=====

What is the Charlie Hebdo attack?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/what-is-the-charlie-hebdo-attack>

Who attacked Charlie Hebdo?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/charlie-hebdo-terrorists-muslim>

What is Charlie Hebdo?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/charlie-hebdo-cartoonists-victims>

What does Charlie Hebdo's satire mean?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/what-does-charlie-hebdos-satire-mean>

Why is Charlie Hebdo so controversial?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/charlie-hebdo-satire-controversy>

What is "Je Suis Charlie," and why are people holding up pens?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/je-suis-charlie-pens-rallies>

What are some of Charlie Hebdo's most famous cartoons?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/charlie-hebdo-cartoons-covers>

Why are French mosques being attacked?

<http://www.vox.com/cards/charlie-hebdo-attack/french-mosques-attacked>



حمله خونین تروریست های پان اسلامیست

به دفتر مجله طنزآمیز شارلی ابدو در پاریس

روز چهارشنبه 7 ژانویه 2015 (17 دی 1393) حدود ساعت یازده و نیم صبح دو تروریست به دفتر هفته نامه «شارلی ابدو» در پاریس حمله کردند. آنها وارد جلسه هفتگی هیأت تحریریه مجله شدند و کاریکاتوریست ها، نویسندگان و تحلیل گران این مجله طنزآمیز چپ گرا و افشاگر را با شعار «الله اکبر» به رگبار گلوله بستند و دفتر مجله را به حمام خون بدل کردند. تروریست های پان اسلامیست پس از این کشتار از محل دور شدند و هنگام متواری شدن با فریاد «الله اکبر» و «انتقام پیامبر را گرفتیم» عده ای از مردم را در خیابان زخمی کردند و یک پلیس را کشتند. تراژنامه موقت این جنایت سیاسی 12 کشته (از جمله مسئول مجله و اعضای برجسته هیأت تحریریه آن، یک کارگر و دو پلیس) و حداقل یازده زخمی از مردم عادی بود. تروریست ها که ظاهرا از موفقیت این جنایت پلید به وجد آمده بودند فریاد زدند: «شارلی را کشتیم!»

این نخستین حمله متعصبان پان اسلامیست، این دشمنان خونی و قسم خورده آزادی بیان، به دفتر این مجله و نویسندگان و کاریکاتوریست های آن نبود. در نوامبر سال 2011 نیز دفتر این مجله با کوکتل مولوتف مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد و هیأت تحریریه آن مجبور شدند پیش از استقرار در دفتر جدید، در محل روزنامه ای دیگر به کار خود ادامه دهند. همچنین کاریکاتوریست ها و نویسندگان مجله مرتبا پیام های تهدید آمیز دریافت می کردند.

انگیزه مستقیم حمله آدمکشان متعصب پان اسلامیست به شارلی ابدو، کاریکاتوری از محمد و به ویژه انتقاد این مجله از تروریست های اسلامی بود. اما انگیزه بنیادی و واقعی آنها دشمنی با آزادی بیان و قلم است. دشمنی با آزادی بیان و به طور کلی دشمنی با دموکراسی، آزادی عقیده، حقوق زنان و برابری زن و مرد، خصومت با حقوق کارگران و جنبش کارگری و دشمنی خونین با سوسیالیسم جزء اساسی ترین ویژگی های پان اسلامیسیم است: یعنی ویژگی جدائی ناپذیر کلیه جریان هائی است که خواهان استقرار حکومت اسلامی اند.

همه می دانیم که خمینی، سردمدار اصلی حکومت ارتجاعی و خونبار اسلامی در ایران، سال ها پیش از صدور فتوای ننگین اش در مورد قتل سلمان رشدی، فرمان شکستن قلم ها در ایران، فرمان شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی، فرمان به بردگی کشاندن زنان، فرمان های کشتار در کردستان، ترکمن صحرا و غیره، فرمان ترور مخالفان، فرمان سانسور و حمله به دانشگاه ها، دفتر روزنامه ها، کتاب فروشی ها، تظاهرات دانشجویان و کارگران، حمله به اعتصابات کارگری و حمله به تشکل های کارگری را صادر کرد. جانشینان پلید او همین روش را تا امروز ادامه داده اند و می دهند. این نشان می دهد که به رغم رقابت ها، مخالفت ها و دشمنی های درونی جریان های مختلف پان اسلامیستی، از جمله اختلافات و رقابت های بین جریان پان اسلامیستی شیعی به سردمداری جمهوری اسلامی و وابستگان آن در عراق و لبنان و غیره، از یک طرف و جریان های سلفی و مانند آن از طرف دیگر، شباهت بسیار زیادی در سیاست ها و تاکتیک های تمام دسته بندی های پان اسلامیستی وجود دارد. بیهوده نیست که سخنگوی رژیم جمهوری اسلامی ضمن محکوم کردن لفظی حمله به دفتر شارلی ابدو، در نهایت، آدمکشی هم سخنان رژیم را توجیه می کند.

اکثر عاملان چنین جنایت هائی در کشورهای غربی فرزندان مهاجرانی هستند که در این جوامع به حاشیه رانده شده اند و از محرومیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رنج می برند. این وضعیت، جذب آنها را توسط سردمداران پان

اسلامیست، که به خاطر وابستگی به طبقات استثمارگر از منابع مالی فراوان و نیز از خدمات مبلغان متخصص در توزیع قصرهای بهشتی و حوری و غلمان برخوردارند، تسهیل می کند.

این عاملان که فجیع ترین جنایات را به نفع سرمایه داران و زمینداران پان اسلامیست و سران مذهبی انجام می دهند و همقطاران آنها در عراق، سوریه، لبنان، ایران، افغانستان، پاکستان، مصر، مالی، سومالی، یمن و نمی دانند که نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ای که پان اسلامیست ها پس از تشکیل حکومت شان وعده می دهند چیزی جز استثمار وحشیانه، بی حقوقی کامل توده های مردم، بردگی و کنیزی زنان، و اجرای کثیف ترین نقش ها به نفع امپریالیسم یا قدرت های محلی برای سلطه بیشتر در منطقه و کنار زدن رقیبان نیست. آنها نمی دانند که تحکم و تعبد دینی و بستن دهان اشخاص به بهانه احترام به مقدسات دینی چیزی جز قبول زنجیر تعبد و بردگی سرمایه داران و زمینداران و سردمداران مذهبی شریک جرم آنها نیست. آنها نمی دانند که سرمایه و منافع شخصی مثنی استثمارگر، به نام خدا، برای آنان فتوا صادر می کنند. آنها نمی دانند که سرکوب آزادی بیان توسط احکام دینی یکی از بدترین روش های استبداد در جامعه و یکی از مهم ترین عوامل عقب ماندگی است. آنها نمی دانند که پان اسلامیم و به طور کلی حکومت دینی (یهودی، مسلمان، مسیحی، هندوئی و غیره) همواره در طول تاریخ دست در دست امپریالیسم داشته است و مخالفت ها و نزاع های موردی آن با این یا آن قدرت امپریالیستی چیزی جز نزاع دزدان بر سر تقسیم غنایم نیست.

طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی از استثمار سرمایه و نظام طبقاتی به طور کلی بیش از هر چیز به دموکراسی نیاز دارد و از این رو مبارزه برای آزادی بیان، عقیده، گردهمایی، تشکل، مبارزه برای جدائی دین از دولت، آموزش و امور قضائی، مبارزه برای آزادی در داشتن یا نداشتن دین یا تغییر آن، آزادی تبلیغ دینی یا ضد دینی، آزادی اعتراض و نقد، آزادی کاریکاتور و طنز و... مانند آب و هوا و نان برای جامعه لازم است. هرگونه تعرض به آزادی بیان، نقد و اعتراض، به نام دین و غیره جز به نفع استثمارگران و ستمگران نیست.

بدین سان حمله جنایتکارانه و ننگین به دفتر هفته نامه *شارلی/ببر* را به شدت محکوم می کنیم.

جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش)

19 دی 1393

مردوخ(مردوک): مسلمانان باید مسؤول حملات تروریستی پاریس قلمداد شوند

نظر ۰ // اخبار در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۰

مالک یهودی غول رسانه ای نیوزکوریپیشن می گوید مسلمانان حتی اگر بخش اعظمشان صلح طلب باشند باید در ماجراهای تروریستی چند روز اخیر پاریس مسؤول قلمداد

روبرت مردوخ، مالک گول رسانه‌های نیوزکوریوریشن، به دلیل اظهاراتی در صفحه توئیتری خود مبنی بر اینکه "مسلمانان" - حتی اگر صلح‌طلب باشند - باید مسؤول "سرطان در حال رشد جهادی‌گری" قلمداد شوند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

محاکمه خاورمیانه ای ها بخاطر تروریسم و خفت سازمانهای اسلامی و چپ

نظر ۰ // اخبار در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۰

روزنامه نگار و نویسنده سرشناس عرب با اشاره موضع گیری برخی از سازمانهای اسلامی و مدنی عربی و تشکلهای چپ خاورمیانه ساکن کشورهای غربی پس از هر اقدام تروریستی در این کشورها به عذر خواهی از جوامع و دولتهای غربی میپردازند، این سؤال را مطرح کرد که آیا ۳۰۰ میلیون آمریکایی به خاطر جنگ کشورشان در عراق عذر خواهی کردند؟ و آیا ۶۶ میلیون فرانسوی به خاطر بمباران لیبی عذر خواهی کردند؟

"عبدالباری عطان" روز شنبه در سرمقاله روزنامه اینترنتی "رای الیوم" نوشت: واکنشهای تحریک برانگیزی که در پاسخ به حمله جنایتکارانه و تروریستی به مجله شارلی ابدو در فرانسه صورت گرفت، بسیار اسفناکتر از این جنایت است؛ زیرا راه را برای همه نژاد پرستان و امپریالیستها علیه مسلمانان باز کرد تا اقدامات تحریک آمیز خود را علیه ۱۰ میلیون مسلمان ساکن کشورهای اروپایی آغاز کنند.

این روزنامه نگار عرب که مقیم لندن است، خاطر نشان کرد: چرا مسلمانان اروپا در معرض اتهام قرار می‌گیرند و از آنها خواسته می‌شود که از خود دفاع کنیم و چرا از تک تک این ۱۰ میلیون نفر که ساکن کشورهای اروپایی هستند خواسته می‌شود که در تظاهرات ضد تروریسم شرکت و از عاملان این حمله اعلام برائت کنند، تا به عنوان یک شهروند پذیرفته شوند؟!

عطان تأکید کرد: بار دیگر می‌پرسم؛ آیا ما از بیش از ۳۰۰ میلیون آمریکایی خواستیم که تک تک از حمله کشورشان به عراق اعلام برائت کنند؟ حمله ای که یک میلیون زن را بیوه و ۴ میلیون کودک را بی سرپرست کرد، آن هم بر اساس اطلاعات ساختگی و دروغی که به صورت ویژه برای انجام این حمله ساخته و پرداخته شد. برای بار سوم می‌پرسم، دولت فرانسه که جنگنده های خود را برای بمباران سربازان و شهروندان لیبیایی فرستاد و اکنون هم این کار را علیه سوری ها و عراقی ها تکرار کرده است؛ آیا ما از مردم فرانسه خواستیم از ما عذر خواهی کنند یا برای اعلام همبستگی با کشته‌های ما تظاهرات کنند .. آمریکا ۴ روز قبل فقط اعلام کرد که در خصوص کشته شدن شهروندان سوری در حملات هواپیماهای این کشور، تحقیق خواهد کرد.

وی با اشاره به تشدید حملات نژادپرستانه علیه مسلمانان و مساجد در اروپا گفت: مانند ماجرای "محمد مراح" در سال ۲۰۱۲ که عامل حمله به مدرسه "تولوز" بود، ۳ عامل حمله به مجله فرانسوی به ضرب گلوله نیروهای امنیتی فرانسه کشته شدند، و اسرارشان را با خود بردند؛ امیدوار بودیم که یکی از آنان زنده می ماند تا از جزئیات کامل مطلع شویم و بدانیم که به چه طرفی وابسته هستند .. تا به این پیش داوری ها پایان داده شود ..

عطان تأکید کرد: به هر حال، این ۳ نفر نماینده ۶ میلیون مسلمان مقیم فرانسه نیستند.

وی افزود: بله ما مخالف ترور جنایتکارانه به مجله شارلی ابدو هستیم، البته از آن جهت که با خشونت و کشتار و تروریسم مخالفیم؛ ولی با مواضع توهین آمیز این مجله علیه محمد که احساسات یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون مسلمان را خدشه دار کرد، مخالفیم؛ ما با اقدامات تحریک آمیز علیه مسلمانان و مهاجران مخالفیم.

عطوان گفت: این مجله و سردبیر و کاریکاتوریستهای آن به خوبی می‌دانند که بیش از ۵۰۰ مسلمان در جریان تظاهرات اعتراض آمیز ضد کاریکاتورهای توهین آمیز آن علیه محمد کشته شدند؛ ولی در مقابل دیدیم که آنگلا مرکل صدراعظم آلمان از کاریکاتوریست این مجله در مراسمی تقدیر کرد.

- KSA 01:38 - GMT 22:38 آخرین به روز شدن: جمعه 18 ربیع الاول 1436 هـ - 9 ژانویه 2015 م

داستان تحول عامل کشتار پاریس.. از پیتزا فروشی به تدروی

جمعه 18 ربیع الاول 1436 هـ - 9 ژانویه 20 

دبی-العربیه نت فارسی

سال پیش، یکی از دو برادر متهم در کشتار مجله فرانسوی طنز «چارلی ابدو»، جوانی معمولی در فرانسه بود. او ۱۲ بیشتر به ارتباط با زنان و مواد مخدر می‌اندیشید نه به دفاع از پیامبر

اما شریف کواشی فرانسوی (۳۲ ساله) در سال ۲۰۰۳ از جوانی معمولی به فردی تحت تعقیب تبدیل شد. او پیش از آن، دلیوری پیتزا بود و آرزو داشت ستاره موسیقی رپ بشود

اکنون پلیس فرانسه اعلام کرد که شریف و برادرش، متهمان اصلی حمله به ساختمان هفته نامه فرانسوی هستند؛ حادثه‌ای که ۱۲ کشته بر جای گذاشت

نیروهای امنیتی فرانسه، شریف و برادر بزرگترش سعید (۳۴ ساله) را پس از حمله‌ای تحت تعقیب قرار داده‌اند که فرانسوا اولاند رئیس جمهوری فرانسه، آن را «تروریستی» و «وحشیانه استثنایی» توصیف کرد. در این حمله شماری از روزنامه نگاران از جمله ۴ تن از برجسته‌ترین کاریکاتوریست‌های فرانسه و ۲ پلیس کشته شدند

داستان حرکت کواشی در مسیر تدروی، به داستانی آشنا در فرانسه و غرب تبدیل شده است. وکیل مدافع این جوان فرانسوی، در محاکمه سال ۲۰۰۵ به اتهام دست داشتن در شبکه اعزام شبه نظامیان فرانسوی به عراق، موجل خود را به جوانی بی‌ارزش، توصیف کرده بود

سوال‌هایی مطرح شده مبنی بر اینکه چگونه یک محکوم سابق که دستگاه‌های اطلاعاتی او را می‌شناختند و از تمایلات تدروی او آگاه بودند، توانست کشتار روز چهارشنبه را انجام دهد

به گزارش خبرگزاری رویترز، شریف کواشی در شرق پاریس به دنیا آمد. پدر و مادر او الجزایری بودند و هنگامی که دو برادر کوچک بودند، در گذشتند. او در یتیم‌خانه‌ای در شهر رین در غرب فرانسه بزرگ شد

کواشی مدرک تربیت بدنی دریافت کرد و به پاریس بازگشت. او برای تهیه هزینه زندگی خود، به کار در رساندن پیترزا به منازل مشغول شد.

عاشق موسیقی رپ

بنا بر فیلمی مستند که شبکه سوم تلویزیون فرانسه پخش کرده، صحنه‌هایی از یک مرکز اجتماعی در پاریس به تصویر کشیده شد که شریف کواشی در حال خواندن ترانه‌های رپ به زبان انگلیسی بود و لباس‌های مد روز پوشیده بود.

با وجود پرونده جنایی‌اش که شامل فروش مواد مخدر و سرقت‌های کوچک می‌شود، اهمیت دادن شریف کواشی به دختران زیبا و موسیقی، بیش از اهمیت دادنش به قرآن بود؛ البته تا پیش از دیدارش با فرید بنیتو.

بنیتو یک سال از شریف کواشی بزرگتر است. او یک سلفی است که معلم بسیاری از جوانان در محله مهاجر نشین شمال شرق پاریس شد و بسیار به مسجد مشهور رفت و آمد می‌کرد.

با وجود بنیتو، کواشی حضور در دروس دینی و مشاهده ویدیوهای جهادی را آغاز کرد. او ریش خود را بلند کرد.

کواشی در محاکمه خود در سال ۲۰۰۸ شهادت داد بنیتو به او گفته است که انتحاری‌ها، جزو شهدا به شمار می‌آیند. او گفت که از آزار و اذیت زندانیان در زندان ابو غریب عراق توسط سربازان آمریکایی، بسیار آزرده شده است.

شبکه‌ای که بنیتو در راس آن قرار داد و شریف کواشی عضو آن بود، حدود ۱۲ جوان زیر ۲۵ سال را به عراق فرستاد. اعضای این شبکه اندیشه تندرو داشتند اما آموزش حرفه‌ای ندیده بودند.

شبکه عراق

شریف کواشی ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ در حالی که می‌خواست هوایی به سوریه برود تا از آن طریق خود را به عراق برساند، در اقدامی از سوی پلیس فرانسه برای متلاشی کردن شبکه بنیتو دستگیر شد.

شریف کواشی سال ۲۰۰۸ به سه سال زندان محکوم شد. او اما تنها ۱۸ ماه را در دو زندان امنیتی گذراند. وکیل مدافعش می‌گوید که تجربه زندان، او را به طول کلی تغییر داد. او گفت: «دیگر بسیار سخن نمی‌گفت. همچون گذشته نبود.»

پلیس شریف کواشی را بار دیگر در سال ۲۰۱۰ دستگیر کرد. او به عضویت در گروهی متهم شد که برای فراری دادن اسماعیل علی بلقاسم طراح حمله به شبکه متروی پاریس در سال ۱۹۹۵ برنامه ریزی می‌کرد؛ حمله‌ای که هشت کشته و ۱۲۰ زخمی برجای گذاشت.

اما پلیس مدرکی برای محکومیت شریف کواشی نداشت و تنها فیلم‌های ویدیویی سخنان برخی تندروها و همچنین اعضای گروه القاعده در منزلش یافت شد به علاوه اینکه تحقیقات نشان داد که در اینترنت برای یافتن سایت‌های جهادی‌ها جستجو می‌کرد.

جنایت در دفتر مجله شارلی ابدو پاریس

دیروز چهارشنبه هفتم ژانویه گلوله های شفاوت و ترور، قلب روزنامه نگاران و کاریکاتوریست های مجله "شارلی ابدو" را نشانه گرفت، تا بار دیگر افکار جهانی شاهد بخون غلطیدن اندیشه و قلم بدست تاریک اندیشان تاریخ باشد. این جنایت کثیف عده ای تروریست، اینبار نه در کشورهای خاورمیانه و آسیا و آفریقا و دیگر نقاط جهان که روزی نیست اخبار فجیع ترین جنایتها و ترورها و کشتارها را دریافت نکنیم، بلکه در کشوری بوقوع پیوست که اصطلاحاً در نزد بسیاری از مردم ساده اندیش، و البته با تبلیغات وسیع بورژوازی مهد «دمکراسی» غرب نامیده می شود. در صورتی که این جنایت حیوانی برای اولین بار نیست در فرانسه اتفاق می افتد، در همین سالهای اخیر در محلات فقیر نشین، مردم فرانسه شاهد وقایع دلخراش وسیعی بود که بدست پلیس و به بهانه هائی که اتکاء به آن نقض آشکار حقوق شهروندی بیان گردیده است، بارها رخ داده است. همان فجایعی که پلیس امریکا در حق شهروندان سیاه پوست مرتکب می شود، و پلیس جانی از دادگاه برکه ی برائت می گیرد. تفاوت این ترورها و کشتارها در اینست که ماشه ی مرگ در پاریس اینبار بدست جنایتکارانی کشیده شد که خود قربانی تضادهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی همین ساختار هستند.

با نگاهی به گذشته ی نه چندان دور، ترورهای دیروز پاریس دقیقاً یادآور همان ترورهائی است که جمهوری اسلامی علیه مخالفین در اروپا با ترور فریدون فرخزاد، بختیار، قاسملو، غلام کشاورز و صدها دیگران، و در داخل اعدام های دسته جمعی هزاران زندانی سیاسی و ترور شاعران و نویسندگان، اسید پاشی بر صورت زنان و سنگسار و غیره صورت داده و می دهد. اما سؤال اساسی اینست؛ چرا روزنامه نگاران و کاریکاتوریست های مجله شارلی ابدو که قبلاً بدلیل انتشار کاریکاتورهای در نقد مذهب توسط تروریستها مورد حمله و تهدید قرار گرفته بودند، و تحت "حفاظت" پلیس بودند، در روز روشن مورد آماج گلوله های وحشت و ترور می شوند. آیا هدف این ترورها صرفاً قتل روزنامه نگاران و کاریکاتوریست هائی است که محمد را به سخره گرفته است؟ در حالیکه در گذشته بارها شاهد کاریکاتورهای از محمد بودیم که عمایه اش مسلح به دینامیت و بمب بود، اما دینامیتی که جان باخته اش نه طراح کاریکاتور، بلکه هزاران مبارز و آزادیخواهی بود که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی به بیرحمانه ترین شکل شکنجه و در گروههای صدها نفری به جوخه های اعدام سپرده می شدند.

ماهیت و اهداف تمام این کشتارها و ترورها در سراسر جهان با توجه به زمینه های تاریخی و رخدادها و تحولاتی که در منطقه، خصوصاً فجایعی که در لیبی و سوریه و مصر و عراق و اکراین در جریان است، بیانگر اینست که یک توطئه جهانی به هدف نابودی تمام عیار هستی جامعه ی بشری با ایجاد شرایط حاکمیت پلیسی در شرف تحقق است. با توجه به رخدادهای دوپست سال گذشته، هر زمان بحرانی گریبانگیر جهان ظلم و بیداد و ستم گردیده است، طبقه حاکمه در اتحاد با متحدین خود یعنی روحانیت، لیبرالها و نجیب زاده ها و مجرومینی که خود را در صف پرولتاریا جا زدند، به سرکوب جنبش توده ها دست زدند. مسئله ای که از زبان کارشناسان غربی در مقام تحلیل گر اجتماعی در همان لحظه های اولیه و در جریان تحلیل از این حادثه شنیده شد. با این تاکید که تنها راه حل جلوگیری از تکرار حوادث این چنینی، افزایش نیروهای امنیتی در سطح جامعه می بیند. آنها ب مردم اطمینان می دهند در آینده از تکرار این گونه وقایع با امنیتی پلیسی کردن جامعه جلوگیری خواهند کرد. این تحلیلگران و جامعه شناسان لیبرال، هنوز نمی توانند درک کنند که این مسائل ریشه در نابسامانی های جامعه سرمایه داری دارد و در این چارچوب نمی شود جلوی تکرار این وقایع را گرفت. نتیجه ی این برنامه، همان است که بعد از حادثه یازده سپتامبر شاهد هستیم. بعد از آن حادثه، به بهانه های امنیتی خیلی از آزادیهای مردم در جامعه از طرف دولت لغو شد و دخالتهای دولت در امور اجتماعی و خصوصی مردم افزایش یافت. زندان گوانتانامو، زندان ابوغریب و صدها زندان مخفی در سراسر جهان که یاد آور جنایات بورژوازی بعد از شکست کمون پاریس است، دوباره راه انداخته شد. و آنچه امروز و در شرایط حاضر دیده می شود، تلاش همان نیروئی است که قصد دارد سیل خروشان توده ها را در سراسر جهان خاموش سازند. اما منجلاپی که طبقه حاکمه و استراتژیست های آن را گرفتار نموده است، بوضوح نشان می دهد اینبار چنین امکانی را نخواهند داشت، چرا که ابزار مذهب و برنامه هائی را که در این راستا بر علیه انقلابات مردم خاورمیانه با آموزش و تجهیز تروریست ها سازمان داده و بخدمت گرفتند، اینک خود به ضد هدف تبدیل شده است. مسئله ای که رئیس سازمان ملل

متحد در چند ماه پیش با بیان این جمله که: اینبار مسائل برخلاف گذشته بگونه ای دیگری است و وضعیتی که با آن روبرو هستیم، بشریت و هستی کره زمین را نشانه رفته است. (نقل به مضمون).

پر واضح است دولت های باصطلاح رفاه با بحرانی که دست بگیربان هستند، دیگر بمانند قبل یعنی زمانی که سرمایه داری از رونق اقتصادی برخوردار بود، قادر به تامین نیازهای خیل بیکاران و گرسنگان جامعه نیستند. رشد نارضایتی مردمی که سالیان دراز است هزینه های دولت های سرمایه داری را با تحمل مالیات های سنگین بردوش می کشد، احتمال عروج جنبش توده ای را نه فقط در یک کشور بلکه در سراسر اروپا، تقویت نموده است. در چنین وضعیتی بورژوازی تنها راه حلی که دارد، مقابله با جنبش سراسری توده ها، با کنترل بیش از پیش جامعه و افزایش دخالت دستگاههای امنیتی است. تجربه ای که در گذشته در آلمان رخ داده است. پرولتاریای آلمان که سهم مهمی در پیروزی "انقلاب اکتبر" داشت، با اینگونه ترفنده ها سرکوب و سرانجام با کمک سوسیال دمکراتها و کشورهای انگلیس، فرانسه، آمریکا، مبارزات ملی شان به سوی فاشیسم هدایت گردید. و مهر ننگی بروی مبارزات ملی و انقلابی زده شد که رهبرانی چون روزا لوکزامبورگ، لیکنخت و سازمان اسپارتاک آنرا را رهبری می کردند.

روزبه کوراغلی و رحیم کریمیان

پنجشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۹۳ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۱۵

Majid Afrakhteh

نتیجه سیاست های قدر قدرت ها ، کشت و کشتار در سطح جهان .
برای جلوگیری ، پلیسی کردن و ترورها و جنگ های بیشتر ، راه چاره نیست .
راه میان بری وجود ندارد . احترام به حریم و حرمت انسان و طبیعت و محیط زیست تنها راه چاره است .
در دهکده کوچک جهانی ، صلح و آزادی یا برای همه و یا برای هیچکس اجتناب ناپذیر است .
کسی هست که آماری از تعداد ترورها و معدومین و مسدومین این ترورها رادر سطح جهان بدونه . و آمرین و عاملین این ترورها را .
متأسفانه مثل همیشه امت های خر جهان بازنده اند .
قدر قدرت های تروریست جنایتکار و تروریست های فناتیک مشغول پارگیری هستند .
امت های خر جهان شعورشان در حد انتخاب بین این دو است

آزادی بان

بیانیه کانون نویسندگان ایران در تبعید
در پیوند با ترور روزنامه نگاران و کاریکاتوریست های نشریه شارلی ابدو در پاریس
همه ی ما شارلی هستیم
نویسندگان ، هنر مندان ، روزنامه نگاران
مردم آزاده فرانسه

کانون نویسندگان ایران در تبعید که در راه دفاع از آزادی بیان و اندیشه بی هیچ حصر و استثنا و خود سانسوری مبارزه می کند، در جنایت محشی که برای کاریکاتوریست ها و روزنامه نگاران فرانسوی رخ داده خود را در کنار مردم، هنرمندان و روزنامه نگاران فرانسوی می بیند و با آنان عمیقاً همدردی می کند.
نویسندگان ایران در این بیش از سه دهه حکومت جمهوری اسلامی به خوبی با خطر غول خوفناکی که از شیشه ی شرارت بنیاد گرایی اسلامی بیرون آمده آشنا هستند.
زندانی کردن، شکنجه و کشتن نویسندگان مخالف نظرات حکومتی از آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا به امروز پیوسته ادامه داشته است.

همین ماه گذشته شانزدهمین سالگرد جان باختن محمد مختاری، محمد جعفر پوپنده، مجید شریف، حمید حاجی زاده و پیروز دوانی بود. نویسندگان مخالفی که فقط در فاصله ی اندکی توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی ربوده شده و به قتل رسیده بودند.

سعید سلطان پور، علی اکبر سعیدی سیرجانی، حسین اقدامی، ابراهیم زال زاده، احمد میرعلایی و احمد تفضلی فقط چند نام دیگر از این فهرست بلند جان باختگان در راه آزادی بیان و اندیشه در این بیش از سه دهه هستند.

امروز ایران اگر نه بزرگترین، بی شک یکی از بزرگترین زندان های روزنامه نگاران جهان است. حذف نویسندگان مخالف حکومت اسلامی به درون مرزهای ایران محدود نمی شود. نام آن ها که در بیرون ایران به قتل رسیده اند خود فهرست بلند بالای دیگری است. تهدیدهای برآمده از معیارهای بنیاد گرایانه ی این حکومت تنها نویسندگان ایرانی را شامل نمی شود هنوز فتوای قتل سلمان رشدی که توسط خمینی داده شد و جایزه هایی که جانشینان او برای تشویق مسلمانان به اجرای این فتوا تعیین کرده اند از خاطرها نرفته است. غول بنیاد گرایی ی اسلامی که جنایات جمهوری اسلامی در گسترش آن نقشی به سزا داشته است امروز در همه جای جهان (فلسطین، افغانستان، افریقا و ...) به کشتن و از میان بردن مخالفان خود مشغول است.

چنین تجربه های دردناک و خونینی سبب می شود که کانون نویسندگان ایران در تبعید اوج دهشت جنایتی را که در فرانسه اتفاق افتاده است با همه وجود احساس کند و همه آزادی خواهان جهان را به گسترش اعتراض علیه جهل و جنونی که مسبب چنین جنایاتی است فرا خواند.

جهان باید به دیده ی جد به این فجایع نگاه کند و این بار نه تنها به فریاد نویسندگان ایران که در این سه دهه قربانیان بسیار داده اند بلکه به خون های ریخته شده 12 نویسنده، روزنامه نگار و شهروندان فرانسه در دفتر شارلی حرمت نهد و مانع از خشونت سراپا جهل و جوری شود که دارد جهان گیر می شود و امنیت نویسندگان و هنرمندان را در همه ی جهان به مخاطره می اندازد. ما از این رو صمیمانه با نویسندگان، روزنامه نگاران و کاریکاتوریست های فرانسوی و همکاران جهانی، خود را همدرد و و هم صدا می دانیم و فریاد: ما همه شارلی هستیم سر می دهیم!

کانون نویسندگان ایران در تبعید

8 ژانویه 2015

فقط بابت یاد آوری : از بوکو حرام که هزاران آفریقائی را قتل عام کرد چه خبر؟

نظر // سرتیتر اخبار ویژه در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۰

زیر آوار "ژو سوئی چارلی" با کارگردانی رسانه های دولتی و خودفروخته غربی و همکاری وسیع چپ های سابق کشتار جمعی تروریستی و وحشیانه بیش از ۲۰۰۰ آفریقائی از صحنه رسانه ای به طور کامل حذف میشود تا از اهمیت ترور پاریس نکاهد و مبادا توجه مردم را به قربانیان واقعی تروریسمی که توسط اباما و اولاند و مرکل مسلح و چاق شده اند جلب کند، اعلام همبستگی از چپ و راست از ایرانیها روان است، برای آزادی بیان! برای آزادی! بر علیه اسلام! علیه تروریسم و همبستگی با مردم! دریغ از یک کلمه همبستگی با هزاران آفریقائی قربانی تروریسم در همین روزها، دریغ از همبستگی با سوری ها، ساکنان غزه و عراقی ها صدها هزار قربانی واقعی تروریسم اباما و اولاند و اردوغان و بقیه سگهای سیاست، برای همبستگی با همه قربانیان تروریسم دوباره خبر کشتار آفریقائی ها را منتشر میکنیم.

زنده و جاوید باد یاد آفریقائی ها، سوری ها، شرق اکرانینی های، فلسطینی ها و عراقی ها قربانی تروریسم و تروریستهای مورد حمایت غرب و امپریالیسم!

برای نابودی تروریسم باید ریشه هایش را خشکاند، فقر و ستم طبقاتی را باید نابود کرد، سرمایه داری و امپریالیسم حامی و مشوق تروریسم در جهان را باید نابود کرد!

مجله 'شارلی ابدو' چیست و در مطبوعات فرانسه چه جایگاهی دارد؟



• 7

قرار گرفت و ۱۲ نفر در جریان این حمله کشته حمله مهاجمان مسلح دفتر مجله طنز فرانسوی شارلی ابدو در پاریس مورد شدند.

این مجله در سال ۲۰۰۶ با باز نشر کاریکاتور پیامبر اسلام که در اصل در یک روزنامه دانمارکی به چاپ رسیده بود، خشم مسلمانان فرانسه را برانگیخت.

دفتر این مجله در نوامبر سال ۲۰۱۱ و پس از آنکه کاریکاتور دیگری از پیامبر اسلام منتشر کرد، با بمب آتش زا هدف حمله قرار گرفت.

یکی از آخرین چیزهایی که در صفحه توئیتر این مجله منتشر شده، کاریکاتوری از ابوبکر بغدادی، رهبر گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) است.

، دبیر مجله از آنجا که به قتل تهدید شده بود، تحت محافظت پلیس قرار داشت. او و سه کاریکاتوریست دیگر در استفان شاربونیه بین کشته شدگان حادثه مرگبار روز چهارشنبه بودند.

هجو تاریخی

هیو اسکافیلد، خبرنگار بی بی سی در پاریس می گوید که مجله شارلی ابدو در سنتی قدیمی در روزنامه نگاری فرانسه ریشه دارد که سابقه اش به هجونامه هایی باز می گردد که پیش از انقلاب کبیر فرانسه علیه ماری آنتوانت، ملکه وقت منتشر می شد.

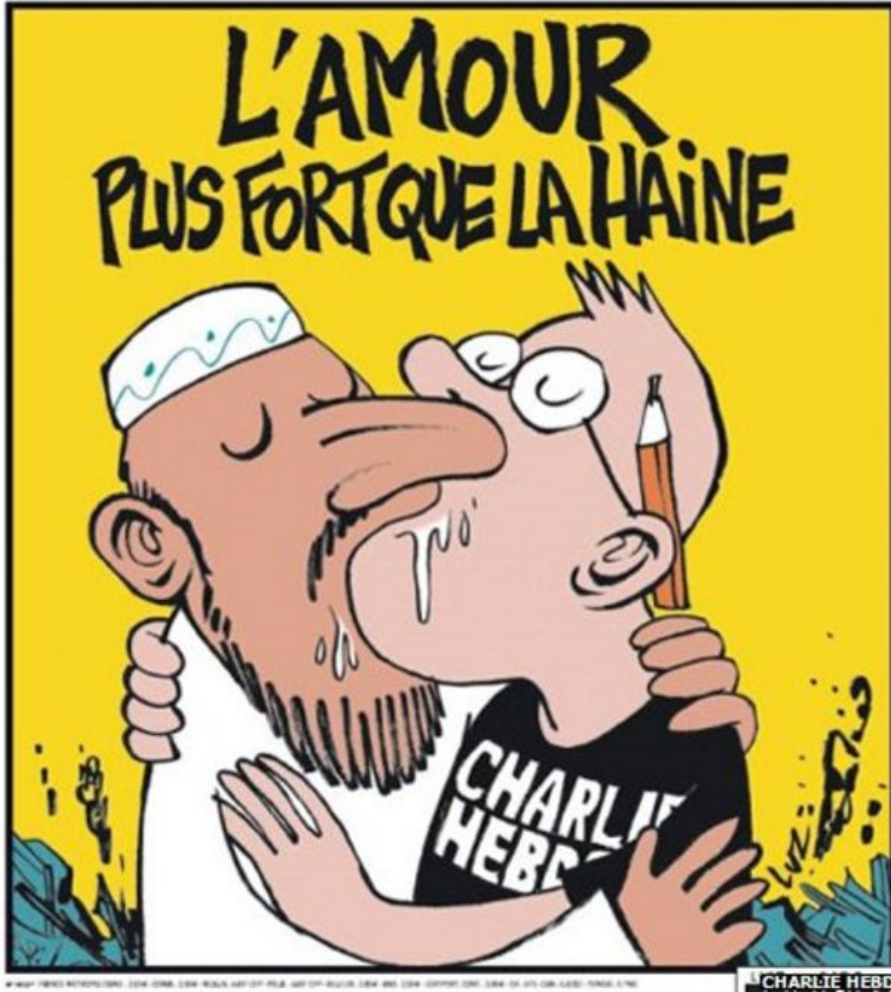
به گفته او، در این سنت، رادیکالیسم چپ گرایانه با نوعی گستاخی تند درآمیخته می شود که گاه به هرزگی پهلو می زند.

هدف این نوع هجو، در قرن هجدهم، خاندان سلطنتی فرانسه بود و از طریق داستان هایی، غالباً مصور، در مورد ولنگاری جنسی و فساد در کاخ ورسای بیان می شد.

اما امروزه هدف آن بیشتر سیاستمداران، پلیس، بانکدارها و مذهب است. ابزار کار هم به جای جعل داستان، طنز و هجو است.

CHARLIE HEBDO

www.charliehebdo.fr



CHARLIE HEBDO

شماره ۸ نوامبر ۲۰۱۱، ج

ند روز پس از حمله به دفتر مجله با بمب آشنا: یک مرد مسلمان کارتون‌نویس شارلی ابدو را می‌بوسد. بالای سرشان نوشته "عشق از تنفر قوی‌تر است"

با این حال همان لحن به دور از ادب و غیر محترمانه که در قرن هجدهم علیه رژیم سلطنتی به کار گرفته می شد، هنوز هم به کار گرفته می شود.

مجله شارلی ابدو یک نمونه برجسته از این نوع طنز است و تصمیمش برای شوخی کردن با پیامبر اسلام هم با فلسفه وجودی اش کاملاً سازگار است.

کاریکاتورهای تحریک آمیز

این مجله هرگز تیراژ زیادی نداشته به طوری که از سال ۱۹۸۱ به مدت ده سال به دلیل نداشتن منابع مالی منتشر نمی شد.

اما کارتون های پر زرق و برق و تیترهای جنجالی اش طوری است که در کیوسک های مطبوعاتی و قفسه های کتاب در ایستگاه های قطار کاملاً به چشم می آید.

با توجه به سنت قوی داستان های مصور در فرانسه، استفاده از کاریکاتور و کارتون ویژگی اصلی شارلی ابدو است.

در میان کارتون ها و کاریکاتورهای منتشر شده در این مجله، ممکن است مأمور پلیسی که سر بریده و خون چکان مهاجران را در دست دارد، راهبه ها در حال خودارضایی یا پاپ در حالی که کاندوم گذاشته است دیده شود. این مجله از هر وسیله ای استفاده می کند که بتواند با آن پیامش را برساند.

شارلی ابدو دائماً با رقیب معروف تر و موفق تر خود، یعنی مجله 'کنز آئنشه' مقایسه می شود.

انگیزه اصلی پشت هر دوی این مجله ها، به چالش کشیدن صاحبان قدرت است، با این تفاوت که کنز آئنشه بر انتشار خبرهای اختصاصی و افشاگری متکی است ولی شارلی ابدو با روشی خام تر و بی رحمانه تر و با استفاده از مجموعه ای از کارتون ها و هجوهای تند عمل می کند.

نبرد ایدئولوژیک



دفتر شارلی ابدو

شارلی ابدو که به منتهی الیه چپ در طیف سیاسی فرانسه متعلق است، در گذشته شاهد انشعاب ها و "خیانت های ایدئولوژیک" بوده است.

یکی از دبیران قدیمی این مجله پس از بروز اختلافی در مورد یهودستیزی از سمت خود کناره گیری کرد.

بیشتر کارکنان مجله، چه کارتونست و چه نویسندگان، با نام مستعار کار می کنند.

قبل از حمله روز چهارشنبه، مجله توسط شاربونیه، که به اسم شارب شناخته می شد و کارتونست دیگری به نام ریس اداره می شد، هر چند همه نام اصلی آنها را می دانستند.

مجله شارلی ابدو در یک نشریه طنز دیگر به نام هاراکیری ریشه دارد که در دهه ۱۹۶۰ میلادی منتشر می شد.

شارلی ابدو در سال ۱۹۷۰ و در زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که دو حادثه همزمان سرخط های خبری را به خود اختصاص داد بود: یک آتشسوزی مرگبار در یک دیسکوتک که بیش از ۱۰۰ نفر در آن کشته شدند و مرگ ژنرال شارل دوگل، رئیس جمهور پیشین.

نشریه هاراکیری تیتز یکی از شماره های خود را به دست انداختن مرگ دوگل اختصاص داد و نوشت: "رقص تراژیک در کولومبی" ("خانه دوگل) یک کشته برجا گذاشت".

انتشار این شماره هاراکیری جنجالی به پا کرد که نهایتاً به توقیف این نشریه منجر شد. واکنش روزنامه نگاران هاراکیری این بود که فوراً هفته نامه دیگری تأسیس کردند: شارلی ابدو

تروریستهای اسلامی بوکو حرام ، احتمالاً ۲۰۰۰ نفر را در نیجریه به قتل رساندند



نقل از شبکه تلویزیونی بی بی سی انگلیسی، این عمل تروریستی در شهر باگا که شمال شرقی نیجریه واقع است، روی داد.

هنوز از جزئیات این خبر گزارشی دقیقی منتشر نشده است.

از سوی دیگر، مسئولان محلی اعلام کردند: بوکو حرام در حمله جدید خود شانزده شهر و روستای حاشیه دریاچه چاد را در شمال شرق نیجریه تخریب کرد.

تروریست ها ، ۱۶ شهر و روستا از جمله شهر باگا را که شهری تجاری است و یک پایگاه نظامی مهم در آن قرار دارد، به طور کامل به آتش کشیدند.

از این شهر ۱۰۰۰۰ نفری عملاً چیزی بجا نمانده است، بنابر گزارشهای ارتش نیجریه در برابر تروریستهای بوکو حرام شهر را بی دفاع رها کرده و گریخته است.

این اولین جنایت گروه تروریستی بوکو حرام در نیجریه به شمار نمی رود. این گروه تروریستی چندی پیش نیز با حمله به روستایی در شمال شرق نیجریه، ۳۲ تن را به قتل رساند و دهها تن را نیز ربود.

گروه تروریستی بوکو حرام ماه آوریل گذشته نیز بیش از ۲۰۰ دختر دانش آموز را ربوده بود.

دولت کامرون خواستار یک عکس العمل بین المللی بر علیه بوکو حرام شد، سخنگوی دولت کامرون ادعا کرد تهدیدات جهانی یک پاسخ جهانی میطلبد

زمانی که بو کو حرام ۲۰۰ دختر نیجریه ای را ربود، امریکا و اروپا ادعا کردند قصد دارند این جریان را نابود کنند، جالب است که کمترین فعالیت قابل توجه ای بر علیه این تروریستها صورت نگرفت بلکه این جریان بر عملیات و جنایاتش نیز افزود

بو کو حرام جریان نظامی تروریستی نزدیک به القاعده بوده و در مناطق نیجریه و چاد فعال است، بو کو حرام در دوران قذافی توسط امریکا و فرانسه مسلح شد و به لیبی ارسال گردید تا بر علیه قذافی بجنگد ولی با سرعت جایگاه خود را تغییر داد و با القاعده بیعت کرد



کامرون و سارکوزی در کنار تروریست های لیبی که بعدا داعش را تشکیل میدهند و لیبی را به ویرانه ای تبدیل کردند



بعد از بمباران و قتل قذافی عکس پیروزی با رهبران تروریستی لیبی و رئیس دولت دست نشانده



تروریستهای مورد حمایت فرانسه که بعدا نامشان به النصره و داعش تغییر کرد



رهبران تروریستهای سوری که توسط اولاند مسلح شدند



در راهپیمایی بزرگ دفاع از آزادی اندیشه، بیان و رسانه شرکت می‌کنیم

زندگی در برابر مرگ

مدنیت در برابر بربریت

و آزادی اندیشه، بیان و رسانه در برابر اسارت فکر، زبان‌های بریده و قلم‌های شکسته

ما در کنار زندگی، مدنیت و آزادی اندیشه، بیان و رسانه می‌ایستیم

هم میهنان عزیز

فاجعه ای که با کشتار کاریکاتوریست‌ها و روزنامه نگاران در دفتر «شارلی ابدو» شروع شد، در چرخش هیولوارش در سه روز گذشته در پاریس و حومه آن، یک زن پلیس و چهار شهروند بی‌گناه دیگر را قربانی کرد و در آخر با مرگ سه تروریست اسلامگرا پایان گرفت.

روز یکشنبه 11 ژانویه 2015، صدها هزار نفر برای گرامی‌داشت یاد قربانیان این فاجعه، همدردی با خانواده های آنها و ملت فرانسه و برای دفاع از آزادی اندیشه، بیان و رسانه، از میدان رپوبلیک به طرف میدان ناسیون راهپیمایی خواهند کرد.

ما ایرانیان که سالیان دراز است در کشورمان قتل دگراندیشان، بریدن زبان‌ها و شکستن قلم‌ها را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنیم، صمیمانه در کنار قربانیان کشتارهای سه روز پیش در پاریس، خانواده‌هایشان و مردم فرانسه قرار داریم.

ما در راهپیمایی بزرگ روز یکشنبه که نماد ایستادگی متمدانه یک ملت برای دفاع از دست‌آوردهای ارزشمند بشری همچون آزادی اندیشه و بیان است شرکت می‌کنیم و از همه هم‌میهنان عزیزمان دعوت می‌کنیم که همراه ما باشند.

انجمن جمهوریخواهان ایران – پاریس

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی – پاریس

: با پشتیبانی

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر

:وعده ما ساعت 14 در محل گردهمایی نهادهای مدنی و سندیکاها

تقاطع خیابان کروسل با بولوار ولتر، نزدیک مترو اُبرکامف

Au croisement rue de Crussol et boulevard Voltaire

A proximité du métro Oberkampf

Solidarité avec "Charlie Hebdo".

Des événements gravissimes ont secoué la France – à Paris et en Île de France - survenus la matinée du 7 janvier 2015, suite à l'attaque terroriste contre le siège de l'hebdomadaire satirique "Charlie Hebdo". Le bilan est consternant : douze personnes assassinées – parmi lesquelles les dessinateurs et journalistes emblématiques du journal, des employés, des policiers – et de nombreux blessés, dont certains se trouvent dans un état grave. L'épilogue de cet attentat a eu lieu les deux jours qui suivent, avec cinq autres victimes – une policière à Montrouge, quatre otages au Supermarché Casher de Vincennes – et la mort des trois terroristes auteurs de cette tragédie.

L'attentat perpétré contre "Charlie Hebdo" ciblait clairement la liberté d'expression et de presse, dont les journalistes ne faisaient que participer au débat démocratique de la manière la plus pacifique. Ils avaient choisi la satire et l'humour cinglants – des modes d'expression consacrés et libres en démocratie –, et qui, au demeurant, n'épargnaient aucun courant politique ou religieux.

Les associations de l'immigration signataires de cet appel tiennent à dénoncer avec la plus grande vigueur ces actes terroristes et saluent la mémoire des victimes. Elles partagent le chagrin et le deuil de leurs familles et proches. Elles sont solidaires avec toute l'équipe de "Charlie Hebdo".

Nous nous inscrivons en faux contre les tentatives misérables de banalisation ou de justification de ces crimes, contre les théories du complot, qui fleurissent déjà sur les réseaux sociaux et dont le ressort est évidemment le déni de la réalité meurtrière, la disculpation des fanatiques, au nom de la supposée défense du sacré.

Les tentatives de récupération et les amalgames ont déjà commencé et vont s'accroître encore. Nous appelons à leur rejet total et à la plus grande vigilance. Notre condamnation est claire et sans ambiguïté ; notre solidarité avec les familles et proches des victimes, avec toute l'équipe de "Charlie Hebdo", est entière ; et nous n'accepterons ni leçon ni injonction. Nous nous opposons à tout amalgame, à toutes les formes de discrimination, de racisme et d'islamophobie.

Nombreux sont les militantes et militants de nos associations originaires de pays qui ont vécu – ou vivent encore – les affres du terrorisme jihadiste et la répression des régimes autoritaires. Ils sont, de ce fait, plus que quiconque, en résonance avec la douleur des victimes et de leurs proches.

Pour toutes ces raisons, nous sommes solidaires des forces vives, républicaines et démocratiques de France, et de tous les progressistes, unis dans cette épreuve.

Nous appelons à rejoindre la mobilisation initiée par les associations de la société civile pour la paix, contre le terrorisme et le racisme prévue ce dimanche 11 janvier 2015 dans tout le pays.

A 15 heures à Paris, place de la République.

Nous nous donnons rendez-vous avec les associations et les syndicats, pour le cortège de la société civile :

14 heures, à proximité du métro Oberkampf,

au croisement rue de Crussol et boulevard Voltaire.

Premiers Signataires

AIDDA

Arts et Cultures des Deux Rives – ACDR

Association Citoyenne des Originaires de Turquie - ACORT

Association des Iraniens républicains de Paris (AIRP)

Association des Marocains en France – AMF

Association des Travailleurs Maghrébins en France - ATMF

Association des Tunisiens de Maine et Loire – Anger

Association des Tunisiens du Nord de la France – ATNF

Association des Tunisiens en France – ATF

Association Filigrane

Association Naaour'a GSNM – Belgique

Association Tunisienne Culture et Solidarité

Association Vérité et Justice pour Farhat Hached

Collectif 3 C

Collectif des Femmes Tunisiennes – CTF

Comité de Vigilance pour la Démocratie en Tunisie – Bruxelles

Comite indépendant contre la répression des citoyens iraniens (CIRCI)

Comité pour le Respect des Libertés et des Droits de l'Homme en Tunisie – CRLDHT

Dynamique Citoyenne des Tunisiens à l'Etranger – DCTE

Fédération des Tunisiens Citoyens des deux Rives – FTCT

Immigration Développement Démocratie – IDD

Manifeste des libertés

Massira – Algérie

Mouvement Citoyen des Tunisiens en France – MCTF

Réseau Euro-Maghrébin Citoyenneté et Culture – REMCC

SOS Migrants - Belgique

[Babak Barmayeh](#)

Charlie Hebdo

این جور مواقع است که چپ‌های نوی وطنی و اسلامگرایان وطنی گنه اندیشه‌شان را برای ما بیرون می‌ریزند. مطلب فیلسوف‌شان علی علیزاده را اینجا بخوانید: <http://goo.gl/uwKtFD> حمایت‌ها از نوشته را با دقت دنبال کنید. او خواستار محاکمه روزنامه‌نگاران شارلی ابدو «به جرم سوء استفاده از آزادی بیان و ترویج نژاد پرستی» است. حتی نمی‌داند یا اشاره نمی‌کند که مجله در خط مقدم مبارزه با راست‌های افراطی و فاشیست‌ها بوده، و کاریکاتورهای بی‌شمارش حزب راست افراطی فرانسه، رئیس‌اش مارین لوپن و بنیان‌گذارش ژان-ماری لوپن را هدف قرار می‌داده، اینجاست که او به دورازه خودی گل می‌زند.

ذهن جهان‌سومی، و ذهن ادوارد سعیدی اینجور مواقع به یاد جنایات فرانسه در الجزایر، فروش اسلحه به صدام و موضع فرانسه در جنگ داخلی سوریه می‌افتند... تمام جنایات خاورمیانه را لیست می‌کند. او نمی‌تواند بین ژئوپولیتیک، منافع ملی، جنگ، توازن قوا از یک طرف و «حق خندیدن» و «حق به سخره گرفتن» در یک مجله طنز از طرف دیگر را تمیز دهد. این ذهنیت با آزادی بیان و مرزهایش در غرب مشکل دارد، با تاریخ کارهای مجله آشنا نیست، نمی‌داند که در اکثر کاریکاتورها سه دین ابراهیمی، و حتی ادیان غیرابراهیمی، با هم به تصور کشیده می‌شده‌اند. ذهن افسون‌زده‌ی جهان‌سومی نماد را در فاجعه دیروز نمی‌بیند، شارلی ابدو نماد است.

اسلامگرایان وطنی با «من شارلی نیستم»، سعی در متفاوت جلوه دادن خود ندارند، ذهنیت افسون‌زده و یا به تعبیری افسون‌زدا نشده‌ی خود را به نمایش می‌گذارند، می‌دانند که «من شارلی هستم» یعنی من می‌پذیرم کاریکاتور «هرکس» و «هر ایده»‌ای را بکشند، و او توان دیدن



[Syrous Kafaei](#) گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران

20 min. ·

شاید خیلی‌ها دوست داشته باشند ترور پاریس را به تروریست‌های اسلامی نسبت دهند ولی واقعیت این نیست. باید بدنبال حقیقت باشیم و نه اتهام.

این فیلم توسط تلویزیون فرانسه پخش شده است. دو فرد مسلح همان پلیس‌هایی هستند که لباس عوض می‌کنند و به شکل تروریست دیده می‌شوند.

برخلاف گفته پلیس و رسانه‌ها که تروریست‌ها فرصت داشتند تا لباس عوض کنند و حتی کفش یک تروریست جا بماند، در این فیلم ما می‌بینیم که یک ماشین پلیس می‌آید و پلیس‌ها در ماشین پلیس لباس‌هایشان را عوض می‌کنند، مبدل به تروریست می‌شوند و شلیک کاملن ساختگی ترور یک پلیس رو بخورد جهانیان می‌دهند !!!

<https://www.youtube.com/watch?v=QUuYSft1fOw&bpctr=1420980298>

رئیس جمهور فرانسه اولاند بخاطر دروغ و ترور و دسیسه ساختگیش باید از تمام مردم جهان معذرت خواهی کند و دلیل این سناریو را توضیح دهد

<https://www.youtube.com/watch?v=2RQLvWFpOCI#t=23>

این جور مواقع است که چپ‌های نوی وطنی و اسلامگرایان وطنی گنه اندیشه‌شان را برای ما بیرون می‌ریزند. مطلب فیلسوف‌شان علی علیزاده را اینجا بخوانید: <http://goo.gl/uwKtFD> حمایت‌ها از نوشته را با دقت دنبال کنید. او خواستار محاکمه روزنامه‌نگاران شارلی ابدو «به جرم سوء استفاده از آزادی بیان و ترویج نژاد پرستی» است. حتی نمی‌داند یا اشاره نمی‌کند که مجله در خط مقدم مبارزه با راست‌های افراطی و فاشیست‌ها بوده، و کاریکاتورهای بی‌شمارش حزب راست افراطی فرانسه، رئیس‌اش مارین لوپن و بنیان‌گذارش ژان-ماری لوپن را هدف قرار می‌داده، اینجاست که او به دوره خودی گل می‌زند.

ذهن جهان‌سومی، و ذهن ادوارد سعیدی اینجور مواقع به یاد جنایات فرانسه در الجزایر، فروش اسلحه به صدام و موضع فرانسه در جنگ داخلی سوریه می‌افتند... تمام جنایات خاورمیانه را لیست می‌کند. او نمی‌تواند بین ژئوپولیتیک، منافع ملی، جنگ، توازن قوا از یک طرف و «حق خندیدن» و «حق به سخره گرفتن» در یک مجله طنز از طرف دیگر را تمیز دهد. این ذهنیت با آزادی بیان و مرزهایش در غرب مشکل دارد، با تاریخ کارهای مجله آشنا نیست، نمی‌داند که در اکثر کاریکاتورها سه دین ابراهیمی، و حتی ادیان غیرابراهیمی، با هم به تصور کشیده می‌شده‌اند. ذهن افسون‌زده‌ی جهان‌سومی نماد را در فاجعه دیروز نمی‌بیند، شارلی ابدو نماد است.

اسلامگرایان وطنی با «من شارلی نیستم»، سعی در متفاوت جلوه دادن خود ندارند، ذهنیت افسون‌زده و یا به تعبیری افسون‌زدا نشده‌ی خود را به نمایش می‌گذارند، می‌دانند که «من شارلی هستم» یعنی من می‌پذیرم کاریکاتور «هرکس» و «هر ایده»‌ای را بکشند، و او توان دیدن

کارتون از کارتون‌نویست های معروف دنیا در رابطه با قتل عام قلم در پاریس ۱۸

<https://rowzane.com/announcements/article=21212>

KSA 12:28 - GMT 09:28 آخرین به روز شدن: یک شنبه 20 ربیع الاول 1436 هـ - 11 ژانویه 2015 م

حمله به روزنامه آلمانی پس از چاپ کاریکاتورهای شارلی ابدو

یک شنبه 20 ربیع الاول 1436 هـ - 11 ژانویه 2015 م



دبی-العربیه نت فارسی

بنا بر گزارشها، در ساعات اولیه بامداد یکشنبه 11 ژانویه، به یک روزنامه آلمانی که کاریکاتورهای هفته نامه فرانسوی شارلی ابدو را منتشر کرده بود حمله شد.

خبر حمله به این روزنامه آلمانی را اول خبرگزاری آسوشیتدپرس بدون ذکر نام روزنامه مخابره کرد.

اما سریعاً مشخص شد که این روزنامه "هامبورگ مورگن پست" نام دارد که در صفحه اینترنتی خود از تلاش افرادی برای حمله به دفتر این روزنامه خبر داد.

روزنامه مذکور در صفحه اینترنتی خود نوشت که آنها نمی‌دانند آیا ارتباطی بین تلاش آتش زدن دفتر این روزنامه و انتشار کاریکاتورهای شارلی ابدو توسط آنها وجود دارد یا خیر.

دقایقی پس از ساعت ۲ بامداد به پنجره‌های این روزنامه سنگ پرتاب شد و پس از آن شیبی آتش را به داخل دفتر انداخته شد که منجر به آتش سوزی محدود شد که آتش نشانی توانست سریعاً آن را خاموش کند.

براساس گزارش مذکور این آتش سوزی خسارات جزئی به بار آورد و دو نفر مظنون در منطقه‌ای که دفتر روزنامه قرار دارد، بازداشت شدند. پلیس آلمان تحقیقات این حادثه را آغاز کرده است.



حمله به این روزنامه آلمانی ۴ روز پس از حمله مرگبار تروریستی به دفتر هفته نامه فرانسوی شارلی ابدو که ۱۲ تن در آن جان باختند، روی می‌دهد.

!شیخ و شارلی

نظر // دریافتی در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۱

ناهد رکسان

پرواز را به خاطر بسیار

ما شیخ نمر و شیخ سلمان را در رسانه‌های مان به زندان فرستادیم؛ شما هم رزمنو شارل دوگل را به خلیج فارس بفرستید، تا ما هم «شارلی» را بفرستیم پهلوی «ژان ژورس». بعد «هم‌باهم» این «جنایت فجیع» را در رسانه‌ها محکوم می‌کنیم و ...

در تاریخ ۷ ژانویه ۲۰۱۵، محفل استعماری «احترام به ادیان»، ناشر و بنیانگذاران «شارلی ابدو» را به قتل رساند. بلافاصله آتلانتیست‌ها، حامیان شناخته شده «انقلاب‌های اسلامی» این جنایت فجیع را محکوم کردند! باراک اوباما، آنجلامرکل، دیوید کامرون و به ویژه نیکولا سرکوزی - این فرد رسماً از تروریسم «بهار عرب» در تونس و مصر و لیبی پشتیبانی می‌کرد - ناگهان مدافع «آزادی بیان» و «دمکراسی» از آب در آمدند!

بله، کشتار ناجوانمردانه بنیانگذاران «شارلی»، اگر چه طرفداران آزادی‌بیان را در سوگ نشانده، در محاسبات حامیان تروریسم جهانی فرصتی طلایی به شمار آمده بود! آتلانتیست‌ها برای تطهیر خود به «حمام خون» نیاز داشتند، و از قضای روزگار همزمان با دیدار آنجلامرکل و دیوید کامرون در لندن، این «نیاز» برآورده شد!

و اینچنین بود که باز هم از قضای روزگار، تروریست‌ها برای رفع «نیاز» آتلانتیسم، روز چهارشنبه را برگزیدند! روزی که «نشست» هیئت تحریریه شارلی ابدو برگزار می‌شد! به عبارت دیگر، آدمکش‌ها «اطلاعات لازم» را در اختیار داشتند. وارد

جزئیات نمی‌شویم، چرا که «منبع موثق» نداریم! در هر حال، آنچه به استنباط ما اهمیت دارد، نه «عاملان» قتل شارلی، که «آمران» طرح ۷ ژانویه است! چرا که طرح کذا به سناریوی صد ساله «انقلاب‌های» محفل «شیخ‌وشاه» شباهت فراوان دارد.

کشتار روزنامه‌نگاران، تهاجم به نیروهای حافظ نظم و امنیت، فروش اسلام خوب، و ... و دعوت به راهپیمایی! دعوت به راهپیمایی - روز یکشنبه، ۱۱ ژانویه - آنهم زمانی که در کشور فرانسه «شرایط ویژه» اعلام شده، و پلیس و نیروهای ضدتروریست به حال «آماده‌باش» در آمده‌اند، نشان می‌دهد که محافل ضدلانیستیته، سخت به هراس افتاده و دست‌وپای‌شان را گم کرده‌اند. چه دلیلی دارد که روسای سه دولت حامی تروریسم اسلامی - دیوید کامرون، آنجلا مرکل و رنزی نژاد - برای حمایت از «آزادی بیان» در شهر پاریس راهپیمایی کنند؟ مگر همین جانوران وحشی نبودند که تحت نظارت یانکی‌ها «بهار عرب» به راه انداختند؟! چه کسی می‌تواند بپذیرد که حامیان شناخته شده تروریسم و آخوند و فتوی، مدافع «آزادی بیان» مطبوعات هم باشند؟! این حامیان دروغین «آزادی بیان»، و به ویژه هم‌محفلی‌های فرانسوی‌شان، روز ۲ نوامبر ۲۰۱۱ که اسلامگرایان با کونکول مولوتف به دفتر شارلی حمله بردند، و به ویژه ۲۴ ساعت قبل از کشتن «شارلی»، آن زمان که تلویزیون دولت فرانسه - شبکه ۲ - به دادگاه تفتیش عقاید تبدیل شده بود، و نویسنده رمان «تسلیم»، میشل ولبک را محاکمه می‌کرد، کجا بودند، و چرا سکوت اختیار کرده بودند؟! با توجه به ارتباط نزدیک «ولبک» با هیئت تحریریه «شارلی»، پیش از ادامه مطلب، یک مینی‌پرانتر در مورد محاکمه نویسنده «تسلیم» در تلویزیون دولت «سوسیالیست» فرانسه باز می‌کنیم.

در تاریخ ۶ ژانویه سالجاری، در انتهای برنامه اخبار ساعت ۲۰، در واقع شاهد یک مینی «شب کریستال» بودیم! و به این منظور از میشل ولبک به عنوان میهمان برنامه اخبار دعوت به عمل آمده بود. «ولبک» توضیح داد که «تسلیم»، فقط یک رمان است و می‌باید جنبه تخیلی آن را در نظر گرفت. مجری برنامه اخبار هم ضمن «انتقاد سافت» از میشل ولبک، به یکی دو «فیلسوف و جامعه‌شناس» غیرفرانسوی - ایتالیایی و عرب مسلمان - تریبون داد، تا اینان از طریق بازنشخوار تبلیغات محفل «احترام به ادیان»، زبان به نکوهش «ولبک» بگشایند! ویراست‌های رسمی که طی مینی «شب کریستال» توسط مجری و پامنبری‌های عرب و ایتالیایی‌اش نشخوار و بازنشخوار شد، به صورت فشرده چنین بود:

«بی‌ملاحظگی کردید؛ حساسیت مسلمانان را نادیده گرفتید؛ رمانی نوشتید که ممکن است باعث رنجش جامعه مسلمان فرانسه شود این رمان کارساز جبهه ملی - فاشیست‌های فرانسه - است!»

آنچه شامگاه ۶ ژانویه در شبکه دولتی تلویزیون فرانسه شاهد بودیم، در واقع رسمی‌ات یافتن تفتیش عقاید، سانسور و تهاجم به آزادی بیان نویسنده بود! تهاجمی که ماه دسامبر ۲۰۱۴ در شبکه‌های مجازی سازمان یافت، و در تاریخ ۶ ژانویه به تلویزیون دولتی سرایت کرد و فقط یکروز طول کشید تا چهره واقعی خود را نشان دهد:

« هفته‌هاست که [رمان تسلیم]، دست‌کم در فرانسه باعث جنجال فراوان بوده و عده‌ای از منتقدان ادبی و شخصیت‌های سیاسی له یا علیه آن اظهار نظر کرده‌اند [این کتاب] روزی در ویتترین کتاب‌فروشی‌ها چیده می‌شود که افرادی نقابدار دست‌کم ده روزنامه‌نگار و مطبوعاتی فرانسوی را در قلب پاریس در دفتر مجله طنز شارلی ابدو از پای درمی‌آورند! »

منبع: رادیوزمانه، مورخ ۱۷ دیماه سالجاری

بله، هفتمین روز سال ۲۰۱۵ که با هشتادمین سالگرد سیاسی شدن پوشش زن ایرانی - ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ - تقارن زمانی یافت، در شرایطی کشور فرانسه را به مسلخ «آزادی بیان» تبدیل کرد که فدائیان اسلام در جایگاه «قیم» گل‌شيفته فراهانی لنگر انداخته و به وراجی مشغول بودند. فعالیت «پاترنوس» دیگر به کشورهای مسلمان‌نشین محدود نمی‌شود؛ «همه» باید زن را «صغیر» و مهجور به شمار آورده، به مقدسات و مزخرفات ادیان «احترام» بگذارند! و اشکال «شارلی» این بود که از آغاز - این مجله در سال ۱۹۶۹ تحت عنوان «هاراکیری ابدو» انتشار یافت - در چارچوب قانون اساسی فرانسه، خواستار برخورداری از «آزادی بیان» بود. ولی این خواست قانونی منافع اولیگارش‌های حاکم بر اینکشور را تهدید می‌کند! دموکراسی و اولیگارش‌های یکدیگر در تضاد قرار گرفته‌اند؛ اولیگارش‌های بر «روابط» و توجیه و توبه و تراژدی - عرصه تعلقات - پای می‌فشارد، و دموکراسی بر ضوابط و آزادی‌بیان و ... و رمان و طنز!

همانطور که پیشتر هم به کرات در این وبلاگ گفته‌ایم، فاشیست‌ها شعر را برتر از رمان می‌شمارند، و «طنز» را با «توهین» در ترادف قرار می‌دهند. کافی است به بلبل‌زبانی‌های عبدالکریم لاهیجی در مورد کاریکاتور محمد - وبلاگ «طنز، توهین، سفسطه» مورخ ۱۸ فوریه ۲۰۰۶ - نیم‌گاهی بیاندازیم تا ببینیم مدعیان «مخالفت» با حکومت زال‌ممد در کدام لجنزار جا خوش کرده‌اند! و چرا راه دور برویم؟ نگاهی بیاندازیم به شیپورهای اربابان حکومت اسلامی و پیرسیم به چه دلیل نیویورک تایمز، شیپور جنگ‌فروشان اسلام‌نواز و اسرائیل‌پرست، از انتشار کاریکاتورهای شارلی امتناع می‌کند؟ و به چه دلیل تونی باربر، سردبیر فاینانشال‌تایمز در مورد هیأت مدیره مجله فکاهی چارلی ابدو به «قضاوت» نشسته - فیگارو، مورخ ۸ ژانویه سالجاری - و این قضاوت ابلهانه چگونه «تفسیر» می‌شود؟ تردیدی نیست، همانطور که پیشتر هم به کرات گفته‌ایم، مدافعان اصلی سرکوب «آزادی بیان» در غرب نشسته‌اند، و حکومت زال‌ممد مطالبات هم اینان را بازنشخوار می‌کند. بی‌دلیل نیست که همزمان با کشتار ناشر و بنیانگذاران «شارلی»، آنجلا مرکل به روسیه پارس می‌کرد، و حسن روحانی، رئیس دولت نف و تکفیر زوزه مبارزه با «مشرکان» سر داده بود:

«امروز همه باید دست به دست هم دهیم و به یاری دین خدا به پا خیزیم چرا که امروز روزی است که خدا و دین خدا از ما می‌خواهد به صحنه بیاییم و در برابر ظالمان و مشرکان و منحرفان و مزدوران ایستادگی کنیم»

منبع: ایسنا، مورخ ۷ ژانویه ۲۰۱۵، کنخبر: [۱۳۹۳۱۰۱۷۰۰۰۱۸۴](http://www.konkhabar.com/13931017000184)

و از قضای روزگار، بعضی‌ها صدای حسن فوتبال را در برلن و پاریس شنیدند! در برلن، به یاتسنیوک، نخست‌وزیر منتخب ویکتوریا نولاند تریبون دادند، تا آلمان نازی را در جایگاه مظلوم بنشانند! ایشان ضمن بازنویسی تاریخ فرمودند، «در جنگ جهانی دوم، شوروی به آلمان و اوکراین حمله کرد:

«ما خیلی خوب به یاد داریم که طی جنگ دوم جهانی، شوروی به آلمان و اوکراین حمله کرد[...]. ما اجازه نمی‌دهیم بار دیگر آلمان مورد تهاجم قرار گیرد»

منبع: راشین نیوز، مورخ ۸ ژانویه سالجاری

گویا تلویزیون آلمان هم در برابر اظهارات پوچ نخست‌وزیر اوکراین خفقان اختیار کرده، چرا که این ترهات با شعار «نه شرقی نه غربی» آلمان نازی هم‌سوئی نشان می‌دهد. خلاصه بگوئیم بوق تبلیغاتی نازیسم به دلیل حماقت و خرفتی هنوز دوزاری‌اش نیفتاده! حاکمیت مفلوک «ژرمانی» به این توهم دچار شده که قتل «شارلی» هم مانند «شب کریستال» کارساز «پاترنوس» خواهد شد، بدون آنکه در نظر بگیرد، حاکمیت بریتانیا تغییر سنگر داده و روز تهاجم به دفتر شارلی، ممنوعیت انتشار کاریکاتورهای محمدصاد را لغو کرده:

« در روز حمله، در پخش اخبار بی‌بی‌سی، کاریکاتورهای پانزده فرانسوی به طور خلاصه نشان داده شد»

منبع: صدای روسیه، مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵

ساده‌تر بگوئیم اینبار هم لندن، پشت برتری‌طلبان ژرمانی را خالی کرد! ولی از آنجا که حماقت همزاد محفل رایش و روسری است، آلمان و حکومت زال‌ممد، به ویژه فدائیان اسلام فکل کراواتی نهضت عاطفادی، هنوز در مرداب توهامات و تعلقات پدر پدروخته‌شان دست‌وپا می‌زنند:

« سرمقاله روزنامه شرق واکنش رئیس‌جمهور فرانسه پس از حمله روز چهارشنبه را غیرقابل پذیرش خوانده و نوشته اینکه رئیس‌جمهور فرانسه در اولین اقدام، بار دیگر از آزادی بیان سخن بگوید، موضوع قابل پذیرش نیست»

منبع: رادیوفرادا، مورخ ۹ دیماه سالجاری

آن گوساله‌های ننه‌حسن که در شمال شهر تهران برای خرید ورق‌پاره «شرق» صف می‌کشند، بهتر است بدانند، چه فضولاتی به خوردشان داده می‌شود! بله در شرایطی که برنامه سانسور فیلم «مصاحبه» در آمریکا با شکست روبرو شد، و بوق وزارت امور خارجه بریتانیا هم تغییر سنگر داد و کاریکاتورهای شارلی از «محمدصاد» را پخش کرد، لوتی و عنترهای نهضت «عاطادی» هنوز در لجنزار جنگ‌سرد یخ زده و هذیان می‌گویند، و چه بهتر! تکلیف حکومت ملایان که روشن است؛ ماهیت واقعی تشکل ضدایرانی نهضت عاطادی هم برای ایرانیان روشن می‌شود.

ما شیخ نمر و شیخ سلمان را در رسانه‌های‌مان به زندان فرستادیم؛ شما هم رزمنامو شارل دوگل را به خلیج فارس بفرستید، تا ما هم «شارلی» را بفرستیم پهلوی «ژان ژورس». بعد «هم‌باهم» این «جنایت فجیع» را در رسانه‌ها محکوم می‌کنیم ...

ولی محفل احترام به ادیان اینبار را کور خوانده! فردا علاوه بر مقامات اتحادیه اروپا و هیات دیپلماتیک روسیه، رهبران احزاب چپ و راست فرانسه - به استثناء حزب اسلام‌نواز جبهه ملی - در یک راهپیمایی برضد تروریسم شرکت می‌کنند. بد نیست بدانیم نخست وزیران دو کشور ترکیه و تونس نیز در این تظاهرات حضور خواهند یافت!

پرسوناژ اسطوره‌ای محمد، در ۴۰ سالگی در غار حرا، به افتخار «بندگی» الله نائل آمد. «شارلی» ۴۰ سال در راه مبارزه با خشونت و منهیات قلم زد و ... و در این راه کشته شد، ولی سرانجام سنگر استعمار صدساله «احترام به ادیان» را فروپاشاند.

پرواز را به خاطر بسپار

پرنده مردنی است

(فروغ فرخزاد)

گروه تروریستی مورد حمایت فرانسه مسئولیت بمب گذاری در لبنان را به عهده گرفت

نظر ۰ // اخبار در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۱

گروه تروریستی «جبهه النصره» مورد حمایت فرانسه و اسرائیل مسئولیت انفجار شب گذشته منطقه «جبل محسن» واقع در طرابلس در شمال لبنان را بر عهده گرفت.

به گزارش شبکه خبری المیادین، گروه تروریستی جبهه النصره مسئولیت انفجار شب گذشته منطقه «جبل محسن» واقع در طرابلس در شمال لبنان را بر عهده گرفت.

شب گذشته دو انفجار در یک قهوه‌خانه در شهر طرابلس در شمال لبنان را هدف قرار داد که دست کم ۹ کشته و ۳۹ زخمی برجای گذاشت و به دنبال آن وزارت کشور لبنان در جبل محسن و اطراف آن اعلام منع آمد و شد کرد.

ارتش لبنان هویت این دو فرد انتحاری را مشخص کرده است که اولی «طه خیال» از اهالی طرابلس و دارای تفکر تکفیری است که از مدتی پیش ناپدید شده بود. فرد دوم «بلال محمد مرعیان» ملقب به ابراهیم از باب تبانه است.

منابع خبری اعلام کردند که وزن بسته انفجاری ۴ کیلوگرم بوده است.

بعد از وقوع انفجار ارتش لبنان در منطقه وقوع انفجار در جبل محسن ایجاد کمربند امنیتی ایجاد کرد و مقررات منع آمد و شد را در این منطقه به اجرا گذاشته است.

این در حالی است که شبکه خبری العربیه و برخی از منابع خبری شب گذشته خبر دادند که گروه تروریستی داعش مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفته و اعلام کرد که عامل انفجار یک یمنی بوده است.



Bayez Afruoz

دو سال و چند ماه پیش این سه زن مبارز کرد در قلب پاریس ترور شدند....پلیس فرانسه " گویا " هنوز موفق به شناسایی آمرین و عاملین این ترور نشده است! البته تقریباً همه می دانند که دفتر کار " آمرین " در کدام خیابان آنکارا قرار دارد. ولی هیچ کس نمی داند پلیس فرانسه چگونه عاملین را از صحنه جنایت فراری داده و چگونه رد آنها را پاک کرده است.

آلبوم عکس: مهم‌ترین زن تحت تعقیب حال حاضر فرانسه از بیکنی تا روبنده

تاریخ انتشار: ۲۰ دی، ۱۳۹۳



تقاطع: حیات بومدین، همسر و هم‌دست ۲۶ ساله‌ی «آمدی کولیالی»، عامل گروگان‌گیری روز جمعه (۹ ژانویه-۱۹ دی) در سوپرمارکت «کوشنر» در شرق پاریس، هم‌اکنون به مهم‌ترین زن تحت تعقیب در فرانسه به شمار می‌رود.

کولیالی عملیات گروگان‌گیری را یک روز بعد از قتل یک پلیس زن در محله‌ی «مونترورژ» پاریس انجام داد. او روز جمعه نیز پیش از آن‌که توسط پلیس کشته شود، جان چهار نفر از گروگان‌هایش را گرفته بود.

حال منابعی در پلیس فرانسه می‌گویند که «بومدین» در جریان عملیات کولیالی حضور فیزیکی نداشته اما آخرین بار پنج‌شنبه‌شب و بعد از تیراندازی «مونترورژ» در کنار وی دیده شده است.

گزارش پلیس می‌گوید که این زن «خطرناک» و «مسلح» از زمان آن تیراندازی که در جریان آن یک پلیس زن تازه‌کار به نام «کلاریسا ژان فلیپ» کشته شد، متواری شده است.

گفته شده که «بومدین» همان شب از طریق یک پرواز از مادرید به استانبول رفته و از آن‌جا وارد خاک سوریه شده است.

در همین حال پلیس، روز شنبه (۱۰ ژانویه) بازجویی از همسران برادران کواشی، دو عامل حمله‌ی تروریستی خون‌بار به دفتر هفته‌نامه «شارلی ابدو» را آغاز کرده است.

سوابق مخابراتی نشان می‌دهند که در سال گذشته، حدود پانصد تماس تلفنی میان «ایزانا حمید» همسر شریف «کواشی» و «حیات بومدین» برقرار بوده است.

تصویری از بومدین در کنار کولیالی که در آن با بی‌کینی دیده می‌شود مربوط به زمانی است که این زن فرانسوی-الجزایری هنوز به یک «قاتل جهادی» تبدیل نشده بود.

آن‌ها بعدتر در یک مراسم دینی با هم ازدواج کردند و پس از آن بومدین هیچ‌گاه بدون روبنده دیده نشد. او از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ برای «کولیالی» که به جرم سرقت مسلحانه در زندان بود، منتظر ماند.

این زوج، هیچ‌گاه در «مراسم مدنی» که تنها ازدواج پذیرفته شده در قوانین فرانسه است به عقد هم در نیامدند.





“کولیالی” و “شریف کواشی”، از مرتبطترین افراد با جمال بغال، تروریست فرانسوی الجزایری الاصل هستند که در سال ۲۰۰۵ از سوی دادگاه به ۱۰ سال حبس محکوم شد و در سال ۲۰۱۱ از زندان آزاد گردید. مکالمات تلفنی کولیالی و کواشی فاش کرده که این دو با “بغال” در خانه‌اش در جنوب فرانسه دیدار کرده‌اند. گفته شده که کولیالی و کواشی در زندان نیز یکدیگر را ملاقات کرده بودند.

**DRPJ
BRIGADE CRIMINELLE
APPEL A TEMOINS**

Nous sommes votre premier destinataire des informations pour permettre la localisation des deux individus photographiés ci-après, à l'adresse l'adresse de la Police judiciaire de Paris au numéro 147.

**ARRÊTÉ LE 17
13/07/2014**
en vertu de l'art. 170 du Code de Procédure Pénale

En personne, susceptibles d'être armés et dangereux, les faits de meurtre de Mohamed El-Bachir, le cadre de l'opération dénommée « Opération Soudan » ont été commis par une personne inconnue connue le 8 janvier 2013 à Paris (17^e arrondissement) à Montparnasse (PC).





Die offizielle Charlie Hebdo Story stinkt

Donnerstag, 8. Januar 2015 , von Freeman um 18:00

Es gibt viele Ungereimtheiten was den Anschlag gegen "Charlie Hebdo" und die angeblichen Attentäter betrifft. Es fängt damit an, das Video mit der "Hinrichtung" des Polizisten der am Boden liegt zeigt ganz klar, der Schuss ging daneben. Es ist keine Verletzung und kein Blut zu sehen. Der Polizist wurde nicht "hingerichtet" und das heisst, die Medien und die französischen Behörden lügen. Das ist auch der Grund warum das Video auf Youtube ständig gelöscht wird, [siehe Link](#). Als Ausrede meldet Youtube: "*Dieses Video wurde entfernt, weil es gegen die YouTube-Richtlinie zu schockierenden und abstoßenden Inhalten verstößt.*" Gelogen, denn genau das zeigt das Video nicht, keinen Einschlag der Kugel im Körper, keine Verletzung und kein Blut. Die Kugel schlägt neben dem Kopf des Polizisten auf und verursacht eine Staubwolke.



Der Pfeil zeigt den Einschlagspunkt und der Kreis die Staubwolke

Hier findet offensichtlich eine Vertuschung statt, denn damit fällt die offizielle Story auseinander. Eine funktionierende Version in Zeitlupe:

In der folgenden Aufnahme sieht man was eine Kugel einer AK-47 anrichtet:

Die weitere Ungereimtheit, ein Zeuge der die beiden Täter gesehen hat beschreibt sie als "*gross und schwarz*". Das trifft aber auf die Kouachi-Brüder nicht zu. Saïd Kouachi ist laut dem "gefundenen" Ausweis 1,69 Meter klein, Chérif nach Aussagen von Nachbarn ebenfalls. Chérifs Anwalt zwischen 2005 und 2008, Vincent Ollivier, beschrieb seinen Ex-Klienten am Donnerstag in französischen Medien als naiven kleinen Gauner der Rap-Musik liebt und den Mädchen nachlief. Er sei kein überzeugter Fundamentalist gewesen.

Portrait der Kouachi-Brüder. Das sollen kaltblütige Terroristen sein?

Im Gegenteil, das Profil von Chérif entspreche mehr einem "*Marihuana-Raucher*" statt einem Islamisten. "*Er rauchte, trank, hat keinen Bart und hatte eine Freundin vor der Heirat*", sagte Ollivier. Nachbarn beschreiben Chérif als unauffällig und ruhig. Über Saïd Kouachi weiss man sehr wenig. Er hat ein sauberes Strafregister und es ist gar nicht klar, ob die Brüder irgendwelche aktuelle Verbindungen zu internationale Terrorgruppen hatten. Es hat sich auch keine bisher zum Anschlag bekannt.

Der französische Innenminister Bernard Cazeneuve sagte über Saïd Kouachi, er wäre noch nie wegen einem Verbrechen verurteilt worden, er wohnte in Reims, Nordfrankreich und führte dort ein unauffälliges Leben. Seinen Ausweis hätte man im verlassenen Fluchtfahrzeug gefunden. Der Verdacht der Täterschaft fiel deshalb nur wegen diesem "Zufall" auf die Brüder Saïd und Chérif Kouachi.



Polizist oder Terrorist? Sie sehen praktisch gleich aus.

Interessant finde ich die Tatsache, der zweite Fluchtwagen stand bereit ausgerechnet vor einem Koscher-Restaurant, keine drei Kilometer entfernt vom Tatort der Charlie Hebdo Redaktion. Das erste Fluchtauto der Attentäter, ein schwarzer Citroen, wurde vor dem Restaurant verlassen,

während ein grauer Renault dort von Komplizen ihnen für die weitere Flucht zur Verfügung gestellt wurde. Wie die Polizei behaupten konnte, der Renault wäre "entführt" worden, ist mir schleierhaft. Der Wagen stand vor dem Kosher-Restaurant für die Flucht parat und der Wagentausch war geplant.

Die Personenbeschreibung und auch der Lebenswandel der Beschuldigten passen gar nicht zu Attentätern die strenggläubige Islamisten sein sollen und angeblich "Allah gerecht" haben. Wenn es Fundamentalisten sind, warum haben nicht auf Arabisch ihre Sprüche gerufen. Deshalb habe ich in meinem vorhergehenden Artikel geschrieben: *"Für mich haben das Attentat zwei Profis vom Geheimdienst gemacht und dann hat man den Ausweis platziert und die beiden Kouachi-Brüder als Sündenböcke losgeschickt um sie jagen zu können."*

Was hier abgeht erinnert an 9/11, wo es sich herausstellte, die "fanatischen Muslime" die man als Täter beschuldigte, haben Drogen genommen, besuchten Spielkasinos, tranken Alkohol und vergnügten sich mit Prostituierten. Warum sollte jemand der diese "weltliche Vergnügen" nachgeht und sich nicht an den Koran hält plötzlich fanatisch sein, meinen Mohammed wird beleidigt und sie müssten deshalb die "Ungläubigen" bestrafen?

Gestern wurde von drei Attentätern berichtet. Der dritte wurde beschuldigt das Fluchtauto gefahren zu haben. Auch diese Geschichte ist gelogen, denn der 18-jährige Hamyd Mourad den die Polizei als Täter nannte war zur Tatzeit gar nicht in Paris, sondern in der Schule in Charleville-Mézières in der Nähe der belgischen Grenze. Er hat sich bei der Polizei gemeldet. Freunde sagten, er wäre den ganzen Tag mit ihnen in der Schule gewesen. Deshalb, die offizielle Charlie Hebdo Story stinkt!

Ich möchte klarstellen, hier wird nicht das schreckliche Attentat bestritten, genau wie niemand bestreitet, die Angriffe von 9/11 haben stattgefunden. Was hier angezweifelt wird, ist der von den Behörden und Medien erzählte Ablauf, wer wirklich dahinter steckt und wer die Täter sein sollen. Diese Ungereimtheiten gilt es aufzuzeigen. Man muss als Krininalist frei von Emotionen vorgehen und fragen, wer hatte die Mittel, die Gelegenheit, und am meisten, wer hatte ein Motiv für das Verbrechen? Wenn man sich das Resultat anschaut, der Hass gegen Muslime hat jetzt hysterische Proportionen angenommen.

Man muss deshalb die Frage stellen, wer profitiert von diesem Anschlag, wer hat was davon die Christen gegen die Muslime aufzuhetzen? Die Antwort darauf weist auf die Täterschaft hin. In wessen Namen werden wirklich die ganzen Kriege gegen muslimische Länder geführt, wer zerstört dort die Lebensgrundlage der Menschen, wer verursacht dadurch den Strom an muslimischen Flüchtlinge nach Europa, wer will die christlichen Traditionen hier zerstören, wer will einen Konflikt in unserer Gesellschaft schüren? Es sind die selben Elemente die alle Kriege verursacht haben. Da die freie Meinungsäußerung nicht gilt, darf diese Frage nicht beantwortet werden!

Deshalb, es würde mich sehr wundern, wenn die Kouachi-Brüder lebend gefangen genommen werden und vor ein Gericht kommen.

UPDATE 17:24 - Wie ich es vorhergesagt habe, die Kouachi-Brüder sind von der Polizei bei der Stürmung ihres Verstecks getötet worden. Sie können nichts mehr aussagen, nicht mehr die offizielle Legende bestreiten und ihre Version erzählen. Damit ist der Fall erledigt, es gilt nur das Märchen des "Siegers". Ja sicher, zuerst Masken tragen damit man sie nicht erkennt und dann

einen Ausweis im Auto liegen lassen. Für wie dumm halten uns die wirklichen Drahtzieher hinter dem Anschlag? Eine klassische False Flag lief hier ab mit Profis als Killer und die Kouachi-Brüder sind die Sündenböcke, hatten gar nichts damit zu tun.

Hier weiterlesen: [Alles Schall und Rauch: Die offizielle Charlie Hebdo Story stinkt](http://alles-schallundrauch.blogspot.com/2015/01/die-offizielle-charlie-hebdo-story.html#ixzz3OWTsfV17) <http://alles-schallundrauch.blogspot.com/2015/01/die-offizielle-charlie-hebdo-story.html#ixzz3OWTsfV17>

[Mehdi Barzin](#)

من که حالم از هرچی مسلمانی هست بهم میخوره و کم کم داره در من بصورت آلرژى در میاد !
برگرفته از سایت اینترنتی " فضول محله " .

میگوئیم: القاعده،

می گویند: اسلامی نیست!

میگوئیم: طالبان،

می گویند: اسلامی نیست!

میگوئیم: بوکوحرام،

می گویند: اسلامی نیست!

میگوئیم: داعش،

می گویند: اسلامی نیست!

میگوئیم: وهابیون،

می گویند: اسلامی نیست!

می گوئیم: حزب الله، جمهوری اسلامی،

می گویند: اینها اسلامی نیستند!

می گوئیم: فلان مرجع تقلید شیعه، فلان مفتی سنی،

می گویند: این آخوند! مسلمون نیستن دارن اسلام رو خراب می کنن!

می گوئیم: فلان قانون اسلام،

می گویند: این قانون مال اون زمان بوده و ربطی به الآن نداره!

می گوئیم: فلان حدیث،

می گویند: ممکن است تحریف شده باشد، مورد قبول ما نیست!

می گوئیم: فلان آیه قرآن،

می گویند: معنیش این نیست! برو تفسیرش رو بخون! شان نزول داره!

می گوئیم: فلان روایت تاریخی از فلان مورخ مسلمان،

می گویند: فلان مورخ که معصوم نبوده، ما قبولش نداریم!

می گوئیم: پس اسلام واقعی چیست؟ کجاست؟ کی می خواد اجرا بشه؟

می گویند: اسلام واقعی هنوز پیاده نشده باید تا ظهور مهدی عج صبر کنید!

می گوئیم: ظهور چه موقع است ؟

می گویند: شاید این جمعه شاید هم اون جمعه



!! جای خالی بعضی تروریست‌ها در پاریس

نظر ۰ // سرتینیر / اخبار ویژه در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۳



Photo DPA

روزنامه الاخبار لبنان

“ناهض حتر”

برگزاری راه پیمایی در پاریس با وجود حضور سران و رهبران تروریست مانند فرانسوا اولاند رئیس جمهوری فرانسه در صدر راه پیمایان در پاریس، صحنه ای کاریکاتوری را ترسیم کرد.

اولاند با اصرار، سیاست های نیکولا سارکوزی رئیس جمهوری قبلی فرانسه را مبنی بر استفاده از گروه های تروریستی – سلفی برای دستیابی به اهداف و آرمان های خود در زنده کردن استعمار فرانسه در سوریه دنبال کرد؛ سازمان اطلاعات فرانسه از سال ۲۰۱۱ همه توان خود را برای تجهیز مخالفان سوریه مرتبط با این سازمان به کار گرفته و در این راه هزینه های بسیاری صرف کرده و به قاچاق سلاح برای تروریست ها و حمایت مالی و رسانه ای از گروه های مسلح در سوریه اقدام کرده است و به طور علنی با ممانعت از سفر تروریست های فرانسوی به ترکیه و سپس سوریه مخالفت کرده است، زیرا به ادعای وی، ”پاریس نمی تواند شهروندان خود را از مشارکت از مبارزه در ”راه آزادی منع کند.

علیرغم همه تحولات حتی در مواضع آمریکا و اروپا، پاریس همچنان به هدف خود مبنی بر سرنگون کردن نظام سوریه به هر قیمتی پایبند است؛ و در نتیجه می بینیم فرانسوی ها هم خواه ناخواه باید با تروریسمی که حکامشان از آن حمایت کرده اند، مواجه شوند.

فرانسه در لیبی هم نقشی فعالتر و مسموم تر ایفا کرد؛ ”برنار هنری لوی ”متفکر فرانسوی هوادار سیاستهای صهیونیستی و اشغالگرانه اسرائیل، لیبی را فرصت و شانسی برای فرانسه دانست و به سارکوزی گفت که ”این شانسی است که فرانسه است.

در این حال، ”عزمی بشاره ” اندیشمند عرب هم از دخالت قطر برای سرنگونی معمر قذافی در لیبی متحیر ماند.

فراموش نکنید که ”احمد داوود او غلو ” اندیشمند اسلامی راست افراطی و فاشیستی ترکیه ای (!) و پیمان ناتو به فرماندهی پشت پرده آمریکا ” حملات دموکراتیک فراگیر” را در لیبی آغاز کردند؛ هواپیماها در آسمان و تروریست

ها در زمین برای ریختن خون لیبیایی ها وارد عمل شدند و این کشور را ویران کردند و گذاشتند که طعمه جنگ تروریست ها شود و یک سوم از مردم این کشور آواره شوند؛ و این در شرایطی بود که فرانسه پیشنهاد دخالت نظامی را مطرح کرد و به جنگجویان وعده داد کسانی را که بر چاه های نفت سلطه پیدا کنند ، به رسمیت خواهد شناخت

بیش از این نمی خواهیم به بیان گذشته طولانی استعماری فرانسه با همه جنایت هایش بپردازیم ، در اینجا نقش فرانسه در چهار سال اخیر و در جریان تحولات انقلاب های کشورهای عربی را بررسی می کنیم که به عنوان یک دولت تروریست ظاهر شده است ، صحبت فقط از تروریسم دولتی نیست زیرا از کشوری سخن می گوئیم که از تروریست ها استفاده کرده است و اکنون این تروریست ها به سراغ این کشور آمده اند و این به عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود !!مساله نیازمند همبستگی جهانی با یکی از عاملان ایجاد وحشی های تروریست است

فرانسه ، واقعاً نیازمند ترحم است ؛ زیرا همه توطئه ها ، دخالت ها و جنایت ها و بهایی که بابت سیاست های وحشیانه خود می پردازد ، این کشور را از وضعیت حقیر خود به عنوان یک کشور درجه دوم خارج خواهد کرد و در نهایت ، آمریکا با قدرت ها و توان خود می آید تا نتایج اقدامات و سیاست های هم پیمانان کوچک خود مانند فرانسه ، ترکیه و عربستان و غیره را بپردازد

حتی بنیامین نتانیاهو هم به فرانسه آمده است تا نتیجه سیاست های خود را مشاهده کند، او می خواهد اولاند ، فرانسه را برای شهروندان یهودی فرانسه ناامن جلوه دهد تا دیگر هیچ جای امنی در دنیا برای یهودیان جز اراضی اشغالی فلسطین نماند؛ اولاند مخالفت می کند ولی نمی دانیم نظر “برنار لوی” یهودی فرانسوی چیست اما صدها تروریستی که آن ها را به سوریه فرستاده است، باز خواهند گشت و برای خدمت به هم پیمان اسرائیلی خود ، تن یهودیان فرانسه را خواهند لرزاند ، این اقدامی است که دست کم اعضای ” جبهه النصره که به علت دریافت اطلاعات و حمایت تسلیحاتی و درمان مجروحان خود خیلی مدیون تل آویو هستند، انجام خواهند داد

أبو محمد الجولانی ” سرکرده جبهه النصره طی تعامل با اسرائیل و مبارزه با داعش ، ثابت کرد که ” فرد میانه ” رو”ی ائتلاف مخالفان سوری، نیز چنین چیزی را شهادت می دهد، اما قطعنامه اشتباه سازمان ملل در خصوص تروریستی خواندن ” جبهه النصره ” مانع از حضور الجولانی در راه پیمایی میلیونی پاریس شد ، اما عربستان باید ” زهران علوش” مرد مبارزه با تروریسم خود یا “بندر بن سلطان” را به پاریس می فرستاد تا جمع حاضران در این راه ! پیمایی کامل شود

مهم این است که “داعش” در راه پیمایی پاریس حضور داشت؛ درست است که شخص ” ابوبکر بغدادی ” (سرکرده داعش) در این راه پیمایی شرکت نکرد، اما شاخه سیاسی داعش یعنی “احمد داوود اوغلو” نخست وزیر ترکیه در این راه پیمایی حضور داشت؛ آیا میان دو شاخه داعش اختلافی وجود دارد است یا این فقط تقسیم وظیفه و نقش است ؟ جواب این سوال را روز ۱۸ فوریه آتی و زمانی متوجه می شویم که آمریکایی ها نشست بین المللی مبارزه با تروریسم را برگزار می کنند، در آن نشست معلوم خواهد شد که آیا “جان مکین” – دوست البغدادی – در صدر شرکت کنندگان در این نشست خواهد بود یا نه و آن هنگام به واقعیت پی خواهیم برد

دولتهای غربی به پایین ترین حد فرومایگی در تاریخ خود رسیده اند؛ ناتوانی آنها از ورود به جنگ موجب شده است که آنان با تکفیری ها و تروریستها هم پیمان شوند؛ چرا که این تروریستها قوی ترین و ارزاترین سلاحی است که غربی

ها می توانند با آنها کشورهای نافرمان عربی و غیر عربی منطقه را ویران کنند؛ اما آیا فرانسوی ها و غربی ها انتظار دارند که در امان بمانند؟

«اختلاف در شبکه الجزیره بر سر حمله به «شارلی ابدو»

با انتشار ایمیل‌های داخلی شبکه الجزیره، اختلافات روزنامه‌نگاران عرب و غربی این شبکه بر سر حمله تروریستی به نشریه «شارلی ابدو» آشکار شد.



سردبیر الجزیره شعار «من شارلی هستم» را «مغشوش» عنوان کرد

به گزارش شبکه فرانسوی «فرانس ۲۴»، صلاح‌الدین خدر، سردبیر شبکه الجزیره در ایمیلی خطاب به همه روزنامه‌نگاران این شبکه از «هر چه بهتر پوشش دادن» این رویداد سخن گفته و در همین حال شعار «من شارلی هستم» را «مغشوش» عنوان کرده است.

سردبیر الجزیره توصیه می‌کند که این رویداد نه به‌عنوان «حمله به آزادی بیان»، که به عنوان «برخورد بین دو جبهه افراطی» معرفی شود.

صلاح‌الدین خدر نوشته است: «دفاع از آزادی بیان در برابر فشار یک چیز است؛ مطالبه حق نفرت‌افزایی و «توهین فقط به دلیل این‌که توانایی آن را دارید، موضوع دیگری است که کودکانه است».

وی همچنین افزوده است: «اگر روش شما توهین به میلیون‌ها نفر معتدل باشد، تحریک تندروها یک حرکت شجاعانه نیست. در فضایی که پاسخ خشونت‌آمیز – اگر چه نامشروع – خطر واقعی است، اتخاذ چنین «موضعی درباره اصلی که در عمل کسی با آن مخالف نیست، بی‌نتیجه است»

شوک فرهنگی

برخی از نمایندگان شبکه الجزیره در ایالات متحده و بریتانیا این پیام سردبیر شبکه را مورد انتقاد قرار دادند و در مورد آن با همکارانشان سخن گفتند

خانم جکی رولاند، نماینده الجزیره در پاریس که یکی از روزنامه‌نگاران سابق بی‌بی‌سی است به این ایمیل با استفاده از صفحه توئیتر «روزنامه‌نگاری یک عمل جنایتکارانه نیست» پاسخ داده است

این موضوع با رد و بدل کردن نقطه‌نظرات مختلف که نشان‌دهنده شوک فرهنگی در بین روزنامه‌نگاران غربی شبکه الجزیره و هم‌تایان عرب‌شان است، دنبال شد

تام آکرمن، نماینده الجزیره در آمریکا نیز در ایمیلی به پاراگرافی از بلاگ هفتم ژانویه روس داوتات، منتقد فیلم، رجوع داد که گفته بود کارتون‌هایی که موجب شدند اسلام‌گرایان تندرو دست به کشتار بزنند باید منتشر شوند «چرا که قاتلان حتی برای لحظه‌ای نباید ببیندیشند که استراتژی‌شان موفق شده است»

روزنامه‌نگاران عرب شبکه الجزیره در پاسخ‌های خود از نظرات سردبیر دفاع کردند. برخی از آن‌ها حتی برخورد تندتری داشتند، از جمله محمد والسالم که برای بخش عربی الجزیره کار می‌کند گفته است: «اگر شما به یک میلیارد و نیم مسلمان توهین کنید از این‌که یک یا دو نفر از میان آن‌ها بخواهند شما را بکشند «شگفت‌زده نشوید. توهین، روزنامه‌نگاری نیست»

او گفته است جنایت حمله به دفتر «شارلی ابدو» را محکوم می‌کند اما در ادامه افزوده است: «من شارلی «ابدو نیستم»

عمر الصالح، روزنامه‌نگار دیگر الجزیره نیز از همین زاویه به موضوع پرداخته و گفته است: «روزنامه‌نگاری یک عمل جنایتکارانه نیست اما توهین هم روزنامه‌نگاری نیست»

حمله تروریستی به دفتر نشریه طنز «شارلی ابدو» روز چهارشنبه ۷ ژانویه توسط سعید و شریف کواشی انجام شد و جان ۱۲ نفر، از جمله چهار کارتون‌نویست نامدار این نشریه را گرفت. این دو برادر روز جمعه ۹ ژانویه پس از ۹ ساعت گروگان‌گیری در یک چاپخانه به‌دست پلیس کشته شدند

شارلی ابدو» کاریکاتورهایی از اسلامگرایان تندرو و پیامبر اسلام منتشر می‌کرد و بارها مورد حمله « تندروها قرار گرفته بود. دست‌اندرکاران این نشریه معتقد بودند که هیچ چیز از طنز مصون نیست و درباره تمام مسائل اجتماعی می‌توان شوخی کرد.

Hadi Pakzad

از صفحه آقای حسن مرتضوی

لیست و سوابق بزرگترین ریاکاران مدافع آزادی بیان:

1. ملك عبدالله پادشاه اردن: سال گذشته يك روزنامه‌نگار فلسطيني را به 15 سال زندان با اعمال شاقه محكوم كرد.
2. داوود اوغلو نخست وزير تركيه كه بيش از هر كشوري خبرنگاران را زنداني کرده است.
3. (نتانياهو، نخست وزير اسرائيل، 7 روزنامه‌نگار را سال گذشته در غزه كشت (دومين رده بعد از سوريه).
4. شكري، وزير امور خارجه‌ي مصر، شواكان خبرنگار را 500 روز به زندان انداخت.
5. لاوروف، وزير خارجه روسيه، سال گذشته روزنامه‌نگاري را براي توهين به مقامات حكومت زندان انداخت.
6. لامارا، وزير خارجه‌ي الجزاير، عبداللهي خبرنگار را 15 ماه بدون اعلام جرم به زندان انداخت.
7. وزير امور خارجه امارت متحد عربي، سال 2013 يك خبرنگار را به مدت يكماه به اتهام ارتباط با گروه‌هاي غيرقانوني به زندان انداخت.
8. جمعه، نخست‌وزير تونس، اخيراً، وبلاگ‌نويس تونسي، ياسين آبان را براي توهين به ارتش به 3 سال زندان محكوم ساخت.
9. نخست‌وزيران گرجستان و بلغارستان، هر دو پيشينه‌اي مطولي در ضرب و شتم خبرنگاران دارند.
10. دادستان كل ايالات متحد آمريكا، كه پليس آن كشور همين تازگي خبرنگاران و اشينگنگن پست را در فرگوسن زنداني و مورد حمله قرار داده بود.
11. ساماراس، نخست وزير يونان، پليس ضدشورش آن كشور دو خبرنگار را در تظاهراتي در ژوئن گذشته كتك زد و مجروح كرد.
12. دبیرکل ناتو، كه هنوز مسئول بمباران عامدانه و كشتن 16 خبرنگار صربي در سال 1999 شمرده مي‌شود.
13. كيتا، رييس‌جمهور مالي، كه خبرنگاران را براي اطلاع‌رسانی درباره نقض حقوق بشر از كشور اخراج کرده است.
14. وزير امور خارجه بحرين، دومين كشور زنداني‌كننده ي روزنامه‌نگاران همراه با شكنجه.
15. شيخ محمد بن حامد بن خليفه الطاني قطر، مردی را براي نوشتن شعري به 15 سال زندان محكوم كرد.
16. محمود عباس، رييس جمهور فلسطين، چندین روزنامه‌نگار را براي توهين به شخص خود در 2013 به زندان انداخت.
17. رييس جمهور اسلواني، وبلاگ‌نويسي را براي توهين به مقامات به 6 ماه زندان محكوم كرد.
18. نخست‌وزير ايرلند، كشوري كه توهين به مقدسات در آن حكم جنابي دارد.
19. نخست وزير لهستان، كه مقامات امنيتي‌اش به دفتر مجله‌اي حمله كردند تا مداركي را به دست آورند كه براي مقامات حاكم خطرناك بود.
20. كامرون نخست وزير بریتانیا، كه مقامات امنيتي‌اش مدارك به دست آمده از گاردین را نابود كردند و روزنامه را تهديد به پيگرد قانوني كردند.
21. سفير عربستان در فرانسه، وبلاگ‌نويسي را براي توهين به اسلام در ملاءعام شلاق زدند.

پیرامون جنایت هولناک در دفتر یک روزنامه در پاریس!



روز چهارشنبه 7 ژانویه 2015، با حمله مسلحانه تروریست‌های اسلامی به دفتر روزنامه فکاهی "چارلی ابدو" در پاریس حدود 10 تن از کارکنان و دست‌اندرکاران این نشریه کشته و نزدیک به همین تعداد مجروح شدند. این جنایت هولناک و جنگ و گریزهای پس از آن که سرانجام منجر به کشته شدن تروریست‌ها شد، به ظهور موج نوینی از وحشت و ناامنی در میان مردم اروپا منجر گردیده است. اما در شرایطی که این جنایت آشکار و سازمان‌یافته، به حق از جانب افکار عمومی آزادیخواه و مترقی در سطحی وسیع محکوم گشت، رسانه‌های تبلیغاتی دولت فرانسه و همپالگی‌های

آن‌ها در آمریکا و اروپا به سرعت از این جنایت به عنوان توجیهی برای پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی خود سود جستند. از اولین ساعات وقوع این جنایت، خوارها گزارش و مطلب در چهارچوب ادعاها و سیاست‌های رسوای ضد انقلابی و جنگ طلبانه امپریالیست‌ها در به اصطلاح ضرورت تشدید جنگ با "بنیادگرایی اسلامی" و

به این بهانه ضرورت تشدید تعرض به حقوق و آزادی های دمکراتیک در کشورهای اروپایی با توجیه "دفاع در مقابل تروریسم" و "اخطار" در مورد قتل عام مردم در اروپا به دست "مسلمانان افراطی" آذین بخش رسانه های اصلی ارتباط جمعی تحت کنترل طبقات حاکم گشت. در گیر و دار این حادثه تروریستی و تبلیغات متعاقب آن خبر اعزام ناو هواپیمابر "شارل دوگل" فرانسه به خلیج فارس برای مشارکت در جنگ بر علیه داعش نیز اعلام شد. هم اکنون نیز در پرتو تاثیرات ناشی از این حادثه تروریستی و با تلاش های بی شائبه برخی از جناح های امپریالیستی در غرب موجی از تبلیغات نژادپرستانه با مضمون مسلمان ستیزی و دامن زدن به تضاد بین مردم مسیحی و مسلمان و یهودی براه افتاده است. به این ترتیب آشکار است که دولت فرانسه چگونه از عملیات جنایتکارانه تروریست های اسلامی در جهت تسریع پیشبرد نقشه های ضد مردمی خود استفاده کرده و می کوشد تا از طریق رعب افکنی، ضمن گسترش فعالیت های جنگ افروزانه امپریالیستی، تعرض سرکوبگرانه جدیدی را به آزادی ها و حقوق دمکراتیک و مدنی مردم سازمان دهد.

جنایت تروریستی در پاریس و نتایج سیاسی و اجتماعی آن و تبلیغات مسمومی که پس از این حادثه تروریستی اتفاق افتاده، شاهد دیگری بر تنیدگی سیاست های جنگ طلبانه و منافع امپریالیست ها با جریانات موسوم به بنیادگرایان اسلامی است. افکار آزادیخواه و مبارز بخوبی می دانند که در طول دهه های اخیر چگونه دولت آمریکا با کمک سایر قدرت های امپریالیستی و رژیم های دست نشانده خود، با آفریدن هیولای بنیاد گرایی اسلامی و تسلیح و تجهیز و رشد آن در سطح بین المللی "دشمنی" را خلق کرده اند که از اعمال و کردار ضد خلقی آن در همه جا برای توجیه سیاست های جنگ طلبانه و تعرض ضد انقلابی خویش علیه طبقه کارگر و خلق های تحت ستم در سطح بین المللی استفاده کرده و می کنند.

همه بیاد دارند که در اوج فاجعه 11 سپتامبر 2001، طبقه حاکم در آمریکا از زبان بوش و سایر سیاستمداران خود چگونه با استناد به این جنایت در باره آغاز یک "دوره نوین"، دوره "جنگ بی پایان" و "جنگ صلیبی" به عربده کشی پرداخته بود، آن هم در شرایطی که تمامی شواهد عینی نشان دهنده آن بودند که بند ناف تروریست های اسلامی مسبب فاجعه 11 سپتامبر، موسوم به القاعده چگونه با محافل قدرت در هیات حاکمه آمریکا گره خورده بود. حمله تروریست های اسلامی به دفتر روزنامه فکاهی "چارلی ابدو" جلوه ای از تداوم همان سیاستی است که به برکت دار و دسته های اسلامی نظیر القاعده و داعش که خود مخلوق و دست پرورده امپریالیسم آمریکا بوده و هستند، اجرا می گردد. به واقع، آن چه که امروز در قالب تحریکات ضد خلقی دار و دسته های مزدور و رنگارنگ اسلامی در سوریه و عراق و یمن و افغانستان و سومالی و بالاخره شهرهای اروپا در حال روی دادن است و عربده های جنگی مقامات دولت های امپریالیستی، تداوم منطقی روندی می باشد که توسط بوش اعلام و عملی شد و در دوره اوباما نیز ادامه یافته است. جنایت نفرت انگیز روزهای اخیر در دفتر مجله "چارلی ابدو" در چنین فضایی اتفاق افتاده و قابل درک است. با این حال شاهدیم که نه فقط خود نیروهای امپریالیستی بلکه دولت های سرکوب گری نظیر جمهوری اسلامی که بنیاد گرایی اسلامی و تروریسم ذاتی وجودشان می باشد نیز با محکوم کردن جنایت اخیر در پاریس سعی دارند خود را مخالف تروریسم و مدافع آزادی و دموکراسی جا بزنند.

بدون شک، سیر رویدادها بار دیگر به همگان ثابت خواهد نمود که "بنیاد گرایی اسلامی" جز وسیله ای در جهت گسترش سلطه امپریالیسم نمی باشد.

نابود باد امپریالیسم!

نابود باد بنیادگرایی اسلامی، ابزار گسترش سلطه امپریالیسم!

پیروز باد مبارزات کارگران و خلقهای جهان علیه سیاستهای نو استعماری!

چریکهای فدائی خلق ایران - 10 ژانویه 2015

Omgekomen agenten Parijs herdacht

<http://nos.nl/livestream/2013049-omgekomen-agenten-parijs-herdacht.html>

این مقاله در این تاریخ منتشر شده سه شنبه 13 ژانویه 2015 - آخرین تغییرات در این تاریخ انجام شده است. سه شنبه 13 ژانویه 2015

تصویر "محمد" در صفحه اول "شارلی هبدو" در سه میلیون نسخه



ناصر اعتمادی نوشته

پیامبر اسلام در همراهی و همبستگی جهانی با نشریه "شارلی هبدو" و در دفاع از ارزش های جمهوری، یعنی آزادی بیان و جدایی دین از دولت، تصویر اصلی نخستین شماره "شارلی هبدو" پس از سوءقصد های خونین در فرانسه است.

اولین شماره نشریه فرانسوی "شارلی هبدو" پس از سوءقصد های خونین علیه کارکنان آن با تصویری از محمد، پیامبر اسلام، در سه میلیون نسخه به چاپ می رسد. در صفحه نخست این نشریه تصویر پیامبر اسلام دیده می شود که در حال گریستن است و بر روی پلاکاردی که در دست دارد نوشته است: "من شارلی هستم". خود نشریه فرانسوی عنوان اصلی که برای این تصویر انتخاب کرده این است: "ما بخشیدیم". به این ترتیب، نشریه طنز فرانسوی خود و همچنین پیامبر اسلام را با شعار جهانی "من شارلی هستم" که در اصل شعار دفاع از آزادی بیان و اندیشه و همچنین مدارای دینی است همصدا و همراه کرده و با این اقدام این پیام را نیز رسانده که آزادی اندیشه و بیان و جدایی دین از دولت (لائسیته) ضامن اصلی مدارای دینی و دموکراسی است. بازماندگان "شارلی هبدو" قصد داشتند شماره جدید این نشریه پس از کشتار کارکنان آن در هفتم ژانویه گذشته را به جای 60 هزار نسخه در یک میلیون نسخه به چاپ برسانند. اما، تظاهرات بی سابقه میلیون ها فرانسوی در اعتراض به این کشتار و همچنین تجمعات همبستگی صدها هزار شهروند جامعه بین المللی در اقصی نقاط جهان در پشتیبانی از ارزش های دموکراسی و جمهوری باعث شد که کارکنان بازمانده "شارلی هبدو" اولین شماره این نشریه را پس از سوءقصد های تروریستی اخیر پاریس در سه میلیون نسخه به چاپ برسانند. نشریه "شارلی هبدو" در بیست و پنج کشور به فروش می رسد.

کمپین جهانی علیه داعش

<https://www.facebook.com/pages/%DA%A9%D9%85%D9%BE%DB%8C%D9%86->

<http://www.independent.co.uk/arts-entertainment/art/news/charlie-hebdo-asterix-creator-albert-uderzo-comes-out-of-retirement-to-draw-je-suis-charlie-cartoon-9968835.html?cmpid=facebook-post>

Charlie Hebdo: Asterix creator Albert Uderzo comes out of retirement to draw 'Je suis Charlie' cartoon

<http://www.independent.co.uk/arts-entertainment/art/news/charlie-hebdo-asterix-creator-albert-uderzo-comes-out-of-retirement-to-draw-je-suis-charlie-cartoon-9968835.html?cmpid=facebook-post>

Ecco il VIDEO, guardate e ascoltate con attenzione:

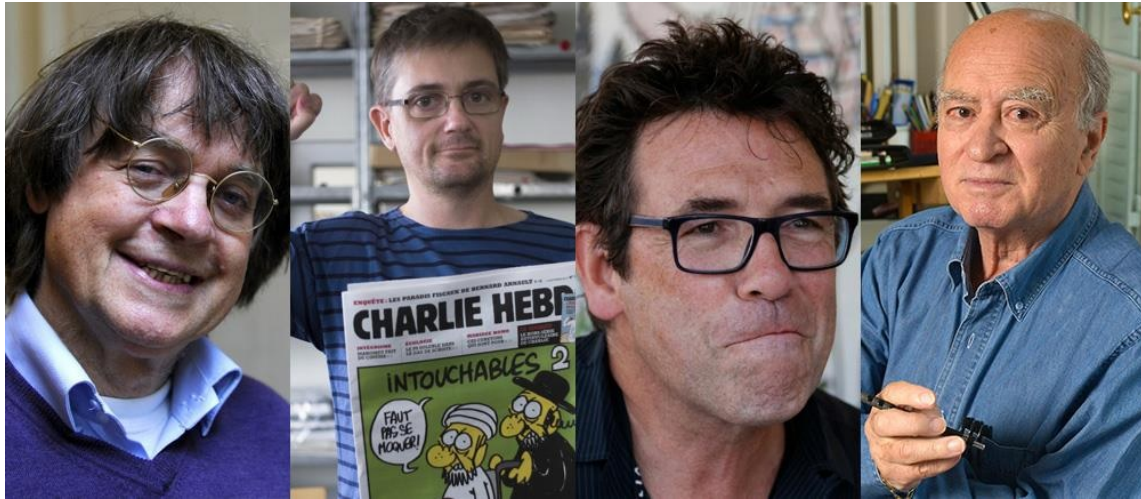
<http://rebubblica.altervista.org/ecco-perche-lattentato-charlie-hebdo-e-un-falso-il-video-shock>

کيهان آنلاين - لندن: گفتگوی بیژن فرهودی با یک کارشناس امنیتی: فراتر از یک عملیات ساده تروریستی

<https://www.youtube.com/watch?v=HDDtCRgCsmw&feature=youtu.be>

"Charlie Hebdo" : Charb, Cabu, Tignous et Wolinski morts dans la fusillade

http://www.lepoint.fr/societe/charlie-hebdo-charb-cabu-wolinsky-et-tignous-morts-dans-la-fusillade-07-01-2015-1894661_23.php#xtor=CS1-31




[Behkam Bakhtiari](#)

14 uur · [Bewerkt](#) ·

مشکوک بودن سناریوی کشتار کاریکاتوریست ها در فرانسه؟! زمینه حمله تروریستی چرا باید در این مقطع صورت می پذیرفت؟ پس اذقتل پرنس انگلستان بوسیله پیراستعمار بصورت ساده لوحانه این با رهولاندا برآن شد که بایک تیر چندنشان بزند که جنبه ی سیاسی آن بردیگراغراض می چربید! پازل های همزمانی شهرت همسرسابق رئیس جمهور فرانسه و طنزهای خیلی تند هفته نامه شارلی هبدو به رسوایی هولاندا افزود که چنین تصمیم احمقانه ای گرفته شد که این فیلم گوشه ای از مکر حکومت فرانسه را نشان می دهد که داره در مورد هفته نامه شارلی هبدو [#CharlieHebdo](#) یک چیزای دیگه میگه! کارت شناسایی دو قاتل اصلی مورد داره! واقعاً این سانسوری رو که میگه چندبار دیده ام و فکر میکردم که تا حالا پرش فیلم هستش! یعنی اینجوری مردم جهان رو سلطه گران زیاده خواه سر کار گذاشته ان؟ بابا دست خوش! داره میگه اگه فشنگ پنج سانتی کلاشینگف توی کله ی احمدپلیس میخورد، کله اش مثل یک هندونه میترکید! از داخل دفتر هم که کسی فیلمی بیرون نداده با این همه دوربینهای مخفی راهروهای حیرنگاری و خبرگزاری فرانسه ۲۴ هم شریک این توطئه شده! یعنی چی؟ من که شوکه شدم!!! چه سناریوی دنباله داری پشت این جریان دیگه؟ پیداکنیدپرتقال فروش فراری، حیات بو م الدین را!!! دریکی از یادداشتهای پیشین هم اشاره ای داشتم به اینکه چگونه اتومبیل تروریستها ده منطقه از شهرپاریس را پس از ترور در می نوردد و شك من از همتاها آغاز گرید که سناریوی دولتی در کار است با پلیس قوی امنیتی فرانسه! خ

http://stormcloudsgathering.com/charlie-hebdo-shootings-censored-video?utm_source=share-fb

Charlie Hebdo Shootings - Censored Video

10.Jan.2015 |  SCG

Evidence that sheds doubt on the official story regarding the Charlie Hebdo shootings.

I'm going to show you some footage of the Charlie Hebdo shootings which has been restricted or taken down from a number of websites. As you will see it contains no blood, gore or graphic violence. It does however punch a major hole in the official story.

You can draw your own conclusions.

The following clip was played on France 24. You'll notice in the middle that a section is edited out.

Let's look at the clip that was edited out.

Now if we zoom in and slow it down you'll see that the officer isn't actually hit by a bullet. There is a blast that hits the sidewalk just in front of him, but he is clearly not hit in the head as the corporate media is claiming.

Let's watch it again. Notice that the head isn't rocked by the blast as it would be if he was actually hit. Notice the plume of dust about a foot in front of him as the shot hits the ground. This is a AK-47. A hit to the head would splatter blood and brains all over the sidewalk.

Anyone who claims that this footage shows someone being hit in the head by a 7.62×39mm round either has no experience with guns, or is lying. This is a big bullet that does massive damage and makes a bloody mess. This officer was NOT killed by a gunshot to the head.

My first thought here was "ok, they missed". Just one problem. Every single mainstream media outlet is claiming that he was finished off with a shot to the head, and that's blatantly false.

So then you have to ask, what else are they lying about?

Funny thing is, these guys went to the trouble to put on ski masks, but for some reason, according to the authorities, they decided to leave their identity cards laying in the get away car. That's how the perpetrators were identified. Really? Come on.

The other funny thing, the suspects wound up dead, so case closed.

Now I'm not going to claim to know what really happened here, but we are being lied to, and lies like this mean trouble is coming.

تظاهرات میلیونی بر علیه تروریسم با رهبری حامیان تروریسم در پاریس آغاز شد

راهپیمایی 'اتحاد' در پاریس آغاز شد



به ترتیب از راست: احمد داوود اوغلو رئیس جمهوری ترکیه، سیمونتا سوماروکا رئیس جمهوری سوئیس، ملک عبدالله پادشاه اردن و همسرش رانیا، محمود عباس رئیس جمهوری تشکیلات خودگردان فلسطین، دونالد توسک رئیس شورای اتحادیه اروپا، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان، فرانسوا اولاند رئیس جمهوری فرانسه، ابراهیم ابوبکر کیتا رئیس جمهوری مالی، بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل و ژان کلود یونکر رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا

صدها هزار نفر در پاریس آغاز شدشدگان حملات اخیر فرانسه با شرکت راهپیمایی 'اتحاد' برای گرامیداشت کشته

جمهوری فرانسه، آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، محمود عباس، رئیس تشکیلات ها، فرانسوا اولاند، رئیس در صف اول راهپیمایی مقام شوندوزیر اسرائیل دیده می خودگردان فلسطین و بنیامین نتانیاو، نخست

اند. شعاری که برای حمایت از کنندگان تابلوهایی با شعار 'من شارلی هستم' بالای سر گرفته در سراسر میدان جمهوری، تظاهرات ابدو به طور گسترده استفاده شده است کارکنان نشریه طنز شارلی

گوید فضای میدان جمهوری (ریپوبلیک) فضایی احساسی است و در روی بعضی تابلوها نوشته سی می می میشل حسین، خبرنگار بی 'شده' مسلمان، یهودی، مسیحی ما کنار هم هستیم

اندهای ارشد بیش از چهل کشور جهان برای شرکت در این مراسم به پاریس رفته مقام

دو مسیر برای راهپیمایی مشخص شده است. به گفته خبرنگاران، صف راهپیمایان چند کیلومتر ادامه دارد

بینی شده در این راهپیمایی که به یاد ۱۷ نفری که در حملات فرانسه کشته شدند برگزار می شود، بیش از یک میلیون نفر شرکت پیش کنند.

اندشگان هم به صف تظاهرکنندگان پیوسته خانواده کشته

اندحدود دو هزار مامور پلیس و ۱۳۵۰ سرباز برای تامین امنیت شرکت کنندگان در این راهپیمایی به سراسر پاریس اعزام شده

یکی از مهاجمان پاریس به داعش ابراز وفاداری کرده بود +

مهاجمان کشتار پاریس چه کسانی بودند؟ +



های پاریس روی پلاکارد جمعی از کرد اند 'من شارلی ابدو هستم، من کرد هستم'. همچنین روی پلاکارد (پایین) نوشته شده 'سه سال پیش سکینه، فیدان و لایلا [سه فعال نوشته کرد] کشته شدند و حالا شارلی ابدو

اندهای مختلف در این راهپیمایی شرکت کرده‌گویی کودکان، زنان، مردان، سالمندان و گروهی می‌بایز دوست، خبرنگار بی

بی‌های مختلف هندی، فرانسوی و ایتالیایی که در تظاهرات حضور دارند به خبرنگار بی‌ها و قومیت‌کنندگان از ملیت‌بعضی از شرکت اندگویند که برای نشان دادن اتحاد در این راهپیمایی شرکت کرده‌سی می

کنیم‌جبهه ملی فرانسه: ما شرکت نمی

جبهه ملی فرانسه، حزب راست‌گرای افراطی از هواداران این حزب خواسته که در راهپیمایی روز یکشنبه در پاریس حضور پیدا نکنند

مارین لوپن، رهبر این حزب گفته است که دولت سوسیالیست فرانسوا اولاند در واکنش به این حملات روشی "تفرقه انگیز" برگزیده و قصد دارد از این راهپیمایی "بهره برداری سیاسی" کند

های اصلی حزب جبهه ملی است، شرکت خواهد کرد او گفته در مقابل در راهپیمایی شهر بوکر، در جنوب فرانسه که از پایگاه



اندرمدم پیش از شروع راهپیمایی در میدان جمهوری (ریپوبلیک) پاریس جمع شده

باش کامل خواهد بودهای آینده در وضعیت آمادمبرنار کازنوو، وزیر کشور فرانسه گفته است که کشور در هفته

اش خواهد بودتایان اروپایی آقای کازنوو روز یکشنبه میربان نشستی با حضور هم

تیراندازهایی مستقر ها تکاو همچنین از تدابیر امنیتی شدید در هنگام برگزاری راهپیمایی خبر داد و گفت حتی بر روی بام ساختمان
شوندمی

اخیر در سکوت راهپیمایی کردند دیروز هم صدها هزار نفر در سراسر فرانسه در بزرگداشت قربانیان حملات مرگبار

تبرین تظاهرات در شهر تولوز روز شنبه در جنوب فرانسه با حضور حدود ۸۰ هزار نفر برگزار شدبزرگ

در بسیاری از مکان های عمومی نظیر میدان جمهوری (ریپوبلیک) در شهر پاریس، شرکت کنندگان با قرار دادن قلم هایی یاد
کاریکاتوریست هایی را که در جریان حمله به دفتر مجله فکاهی شارلی ابدو کشته شدند گرامی داشتند

گفته شده که در راهپیمایی امروز نمایندگانی از اتحادیه عرب و همچنین تعدادی از رهبران کشورهای مسلمان آفریقایی شرکت خواهند
کرد

روز چهارشنبه (۷ ژانویه) سعید و شریف کواشی با حمله به دفتر مجله فکاهی شارلی ابدو، ۱۲ نفر از جمله چند کاریکاتوریست این
مجله را به ضرب گلوله کشتند

روز پنجشنبه (۸ ژانویه) هم به یک فروشگاه یهودی در پاریس حمله شد و چندین نفر گروگان گرفته شدند

گیری سرانجام با حمله نیروهای پلیس و کشته شدن گروگانگیر به پایان رسیداما این گروگان

عاملان این حملات طی روزهای چهارشنبه تا جمعه ۱۷ نفر را کشتند



شوندگان یهودی برای خاکسپاری به اسرائیل برده می‌فرانسوا اولاند (راست) و بنیامین نتانیاهو. آقای نتانیاهو گفته است کشته



در جریان حمله به مجله فکاهی شارلی ابدو چند کاریکاتورست کشته شدند



REUTERS

انجمنوری سابق فرانسه و همسرش کارلا یرونی سارکوزی برای مراسم به کاخ الیزه رفتنیکولا سرکوزی، رئیس



AP



اند 'اسلام=صلح'های پاریس تظاهرات کردند و روی پلاکارد نوشته‌های برای همدردی با کشته‌شدگان مادرید، پایتخت اسپانیا عده



ها هزار نفر در مارسی در جنوب فرانسه راهپیمایی روز سبیه ده

یک جوان مسلمان کارگر اهل مالی جان ۱۵ مشتری فرانسوی را نجات داد

نظر ۰ // اخبار در - مجله هفته von دی ۱۳۹۳ منتشر شده در ۲۱

“حسن باثیلی” جوان مسلمان اهل مالی، جان ۱۵ مشتری را در جریان حمله تروریستی به فروشگاه یهودی در شرق پاریس که مدتی به گروگان گرفته شده بودند، نجات داد.

به گزارش خبرگزاری روسیه وی که در فروشگاه مزبور کار می کند، هنگام حمله تروریست ها، این ۱۵ نفر را در سردخانه واقع در زیر زمین فروشگاه پنهان کرد و سپس خود راهی طبقه بالایی شد.

این جوان مسلمان ۲۴ ساله گفت که ابتدا برق را قطع کرده و سپس از افراد مزبور خواسته وارد سردخانه شوند و آرام باشند تا برای نجاتشان بازگردد.

برخی از کاربران اینترنتی حسن باثیلی را قهرمان نامیدند و شماری نیز پیام تبریک برای وی فرستادند.

حمله های اخیر به مناطق مختلف فرانسه به کشته شدن ۱۷ نفر و زخمی شدن شماری منجر شد
